

بیومارکرهای تشخیصی در بیماری مالتیپل اسکلروزیس



احد خلیل نژاد^۱، حمید زاهدنسب^{۲*}، هادی خداپنده‌لو^۳، الهام محمودیان^۴، طاهره آذر آبدار^۵، محمد بالود^۶، رضا وفاپی^۶، مرتضی حسین زاده^۷

- (۱) گروه ایمونولوژی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران
- (۲) گروه بیوشیمی بالینی، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس
- (۳) گروه بیوشیمی بالینی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران
- (۴) گروه سلولی و مولکولی، دانشکده علوم زیستی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان
- (۵) دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز
- (۶) مرکز تحقیقات پروتئومیکس، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران
- (۷) گروه ایمونولوژی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام

تاریخ دریافت: ۹۲/۳/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۲/۶/۳

چکیده

هم زمان با گسترش گزینه های درمانی برای بیماری مالتیپل اسکلروزیس، نیاز روز افزونی برای یافتن بیومارکرهایی وجود دارد که از حساسیت بالاتری برخوردار بوده و می توانند میزان فعالیت و سیر بیماری را مشخص کنند. امروزه، بیومارکرهای مختلفی با دقت و قدرت انتخابی بالا در کمک به درمان اولیه، بررسی پاسخ به درمان های دارویی، تشخیص زودهنگام و نیز شناسایی مقاطع مختلف این بیماری به کار می رود. برای مثال، وجود باندهای الیگوکلونالدر مایع مغزی- نخاعی افراد مشکوک به مالتیپل اسکلروزیس در تشخیص زود هنگام بیماری، وجود آنتی بادی های ضد آکوپورین ۴ در افتراق بیماری نورومالییت اُپتیکا از مالتیپل اسکلروزیس و نیز حضور آنتی بادی های خنثی کننده اینترفرون های بتای تزریقی به بیماران در شناسایی عدم پاسخ کافی به درمان، همگی نمونه هایی از فواید بیومارکرهایی است که تاکنون برای بیماری مالتیپل اسکلروزیس مورد بررسی قرار گرفته است. با این حال، هنوز بیومارکری کشف نشده که به وسیله آن تشخیص قطعی بیماری و روند پیشرفت آن داده شود. امید است که تکنیک های مولکولی بتوانند بیومارکرهایی با دقت و حساسیت بالاتری پیدا کرده و پزشکان را در تشخیص و درمان به موقع بیماری یاری نمایند.

واژه های کلیدی: مالتیپل اسکلروزیس، بیومارکر، سیر بیماری، شاخص درمانی

*نویسنده مسئول: گروه بیوشیمی بالینی، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس

Email: hamid.6300@gmail.com

مقدمه

بیماری مالتیپل اسکلروزیس یکی از شایع ترین بیماری های سیستم عصبی مرکزی است که بیشتر در محدوده سنی ۴۰-۲۰ سالگی بروز پیدا می کند. این بیماری تظاهرات بالینی متفاوتی داشته و هیچ گونه روش تشخیصی آزمایشگاهی قطعی برای آن وجود ندارد. امروزه، گروه زیادی از داروها با مکانیسم های مولکولی گوناگون در درمان مالتیپل اسکلروزیس به کار می رود که نقش به سزایی در کاهش عود بیماری، فعالیت MRI و جلوگیری از ناتوانی دائمی بیماران ایفا می کنند، (۱). با این حال، با وجود تمامی این استراتژی ها، گروه قابل توجهی از بیماران دچار عودهای مکرر و ناتوانی می شوند. اطلاعات دقیق و قطعی کمی پیش روی پزشکان قرار دارد تا دریابند در هر بیمار کدام گزینه درمانی از کارآمدی بالاتری برخوردار است. هم چنین، تاکنون دانشمندان، شاخص و اندیکاتوری برای ارزیابی دقیق میزان فعالیت بیماری و تعیین فاکتورهایی که نشان دهنده ناکارآمدی پاسخ به داروها باشد، ندارند. قطعاً با استفاده از بیومارکرهایی که میزان فعالیت بیماری را نشان می دهد، می توان از درمان های دارویی اختصاصی تر استفاده کرده و امکان ارزیابی پاسخ به درمان را فراهم آورد. جدول شماره ۱ اهمیت بیومارکرهایی را مشخص می کند که در بیماری مالتیپل اسکلروزیس نقش مهمی ایفا می کنند.

اهمیت بیومارکرها تنها به مواردی که اشاره شد، منتهی نمی شود، بلکه استفاده از بیومارکرهای مشخص و دقیقی که در فرایندهای پروتئومیکس شناسایی می شوند، نشان داده که یکسری از این پروتئین ها تنها در تیپ خاصی از بیماری مالتیپل اسکلروزیس بیان می شوند، (۲). لذا بیومارکرها توانایی افتراق انواع تیپ بیماری از یکدیگر را نیز دارند و از این رو ابزاری قدرتمند برای ارزیابی سیر بیماری محسوب می شوند. (۲)

دانشمندان، در استفاده از بیومارکرها، با چالش هایی روبرو هستند که به طور خلاصه در جدول شماره ۲ ذکر شده است. یکی از چالش های مهم تعیین دقیق فعالیت بیماری است. گاهی بیماران مبتلا به فرم عود کننده-بهبود شونده، تغییراتی دال بر فعالیت بیماری در MRI دارند، بدون آن که از نظر بالینی علائم جدیدی از بیماری در آن ها دیده شود و یا ممکن است در این افراد علائم بیماری به صورت اختلالات روحی و سایکوز و یا اختلالات شناختی بروز پیدا کرده و لذا مورد توجه قرار نگیرد. از طرف دیگر، در فاز پیشرونده ثانویه، علی رغم پیشرفت تدریجی ناتوانی،

هیچ گونه علامتی از فعالیت التهابی در MRI دیده نمی شود و در ارزیابی فعالیت MRI، فاکتورهایی از قبیل حجم ضایعات T2، حفرات سیاه T1، آتروفی جسم سفید و خاکستری مغز، سیر بیماری را پیش بینی می کند، (۳). در مواردی هم عواملی مثل عفونت باعث تشدید علائم قبلی بیماری شده و اشتباهاً به عنوان عود بیماری تلقی می گردد، در صورتی که در واقع یک عود کاذب بوده است.

مطالعه بیومارکرها و نشانگرهای زیستی نیز به واسطه متغیرهای ایمونولوژیک و تغییرات نرمال معنی دار، با مشکلات خاصی همراه است، (۳). علاوه بر این، بسیاری از بیومارکرها، نشانگرهای غیراختصاصی التهاب سیستمیک بوده و ممکن است حتی در حضور اندک عفونتی متحمل تغییرات قابل توجهی شوند. از دیگر مشکلات موجود در تفسیر بیومارکرها در پاسخ به درمان، تفاوت های موجود در فرمولاسیون اینترفرون بتای مورد استفاده در مطالعات مختلف است که بر اساس شواهد موجود اثرات مختلفی را بر روی بیومارکرهای بیماری اعمال می کند. (۷-۵)

تاکنون، دانشمندان بیومارکرهای متعددی برای بیماری مالتیپل اسکلروزیس بر شمرده اند که از جمله آن ها می توان به سایتوکاین ها، کموکاین ها، زیر مجموعه ای از سلول های سیستم ایمنی، مولکول های کمک کننده در تحریک و التهاب، مولکول های دخیل در چسبندگی عروقی، نفوذپذیری و آسیب نورونال و گلیال را نام برد. در جداول شماره ۳ تا ۸ به این بیومارکرها اشاره شده است.

۱- ایمونوپاتوژن بیماری مالتیپل اسکلروزیس

مطالعات مختلف روی بیماران مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس، مؤید این مطلب است که در این بیماران جنبه های مختلف سیستم ایمنی فاقد عملکرد صحیح می باشد.

به عنوان مثال، افزایش بیش از حد فعالیت تهاجمی Th1 و Th17 (که عملکرد آن ها ترشح سایتوکاین های پیش التهابی است) و سلول های CD8+ T در ایمونوپاتوژن بیماری مالتیپل اسکلروزیس مطرح می باشد، (۸). هم چنین، به نظر می رسد که فعالیت سلول های T تنظیم کننده که در حالت طبیعی منجر به کنترل التهاب می شوند، در این بیماری کاهش می یابد، (۸،۹). علاوه بر این، شواهدی وجود دارد که فعالیت سلول های B، آنتی بادی های مترشحه و سیستم کمپلمان در مبتلایان به مالتیپل اسکلروزیس غیرطبیعی بوده و سلول های دندریتیک، ماکروفاژها و سلول های کشنده طبیعی نیز عملکرد صحیح خود را از دست می دهند، (۱۰، ۸).

این، دیده شده است که در بیماری مالتیپل اسکلروزیس، مولکول‌هایی که یکپارچگی سد خونی-مغزی را حفظ کرده و تهاجم سلول‌ها به سیستم عصبی مرکزی را کنترل می‌کنند، دچار اختلال می‌شوند. (۸)

۲- سایتوکاین‌ها

سایتوکاین‌ها روی عملکرد سیستم ایمنی، سیستم عروقی بدن و بافت‌های مختلف تأثیر می‌گذارند و به خاطر نقشی که در پاتوژنز بیماری مالتیپل اسکلروزیس دارند، به مقدار زیاد مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. تغییر در الگوی ترشح سایتوکاینی (که اغلب توسط سلول‌های ایمنی ترشح می‌گردند) مشخصه‌ای است که می‌تواند در پیش‌بینی وضعیت بیماری به پزشک کمک کند. در جدول شماره ۳ برخی از سایتوکاین‌های درگیر در سیر بیماری مالتیپل اسکلروزیس آورده شده است. به طور معمول می‌توان سلول‌های T را از نظر فعالیت سایتوکاینی به ۴ زیر مجموعه تقسیم نمود:

Th1: فعالیت پیش التهابی به همراه ترشح اینترفرون گاما، اینترلوکین ۱۲ و $TNF-\alpha$

Th2: فعالیت تنظیم‌کنندگی سیستم ایمنی به همراه ترشح اینترلوکین‌های ۴ و ۱۰

Th17: ترشح اینترلوکین‌های التهابی ۶ و ۱۷

Treg: سلول‌های تنظیم‌کننده سیستم ایمنی به همراه تولید $TGF-\beta$

این چشم‌انداز ساده که البته ظاهری است، به دلیل وجود فاکتورهای ذیل، دچار پیچیدگی‌هایی می‌شود:

۱- وجود سلول‌های دیگری که زیر مجموعه‌ای از جمعیت سلول‌های $CD8+$ و $CD4+$ هستند.

۲- قابلیت زنده ماندن و پاسخ متفاوت در محیط‌های متفاوت

۳- میانکشی پیچیده آن‌ها با دیگر سلول‌ها

۲-۱- اینترفرون گاما

تزریق اینترفرون گاما به بیماران مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس باعث بروز حمله می‌شود. تحقیقات نشان داده که قبل از عود بیماری سطح سرمی اینترفرون گاما افزایش قابل توجهی پیدا می‌کند و مؤید این است که فعالیت و عود بیماری در ابتدای امر مربوط به فعالیت Th1 می‌باشد، (۱۳-۱۱). از طرفی دیگر، مشخص شده که اینترفرون بتا ترشح اینترفرون گاما از سلول‌های تک هسته‌ای خون محیطی را کاهش داده و موجب بهبود وضعیت بالینی بیمار می‌گردد. (۶)

بیمارانی که تحت درمان با داروی گلاتیرامر استات بوده و پاسخ مناسبی به آن نشان داده‌اند، نسبت به کسانی که این دارو را دریافت نکرده‌اند، سطح سرمی اینترفرون گاما کمتری داشته‌اند، (۱۴). دانشمندان کشف کرده‌اند که تولید سیستمیک اینترلوکین ۱۲ که ترشح اینترفرون گاما را تحریک کرده و سلول‌های طبیعی‌کشنده را فعال می‌سازد، با پیشرفت بیماری مرتبط بوده و در سرم بیماران افزایش می‌یابد. (۱۹-۱۵)

۲-۲- اینترلوکین‌های ۱۲، ۱۷ و ۲۳

اینترلوکین ۱۲ یک هتروداایمر متشکل از دو زیر واحد به نام‌های P40 و P35 می‌باشد. زیر واحد P40 با زیر واحد P19 اینترلوکین ۲۳ کمپلکسی تشکیل می‌دهد که این کمپلکس نیز به تشکیل زیر مجموعه منحصر به فرد اینترلوکین ۱۷ و تمایز سلول‌های Th17 کمک می‌کند. (۲۱)

همان‌طور که پیش‌تر اشاره گردید، پژوهشگران سطح سیستمیک اینترلوکین ۱۲ را با فعالیت بیماری و تغییرات MRI مرتبط دانسته‌اند، (۱۹-۱۵). دیده شده است که در افراد مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس که سطح کمتری از P35 IL12 mRNA دارند، درمان بیماری با اینترفرون بتا مؤثرتر است و این مارکر پیش‌آگهی را در ۸۱ درصد بیماران به درستی پیش‌بینی می‌کند، (۲۲). هم‌چنین، مشخص شده است که پس از درمان با گلاتیرامر استات، سطح اینترلوکین ۱۲ کاهش چشم‌گیری پیدا می‌کند. (۲۰)

میزان تولید اینترلوکین ۱۷ رابطه مستقیمی با فعالیت بیماری دارد و با درمان توسط اینترفرون بتا سطح آن کاهش می‌یابد، (۲۴، ۲۳). نکته قابل تأمل این جاست؛ در بیمارانی که به تازگی بیماری مالتیپل اسکلروزیس در آن‌ها تشخیص داده شده، نسبت به آن دسته از بیمارانی که مدت‌های طولانی با این بیماری درگیر بوده‌اند، میزان تولید اینترلوکین ۱۷ از سطح بالاتری برخوردار است و این امر می‌تواند مبین این نکته باشد که میزان بالای اینترلوکین ۱۷ با فعالیت و شدت بیماری رابطه زیادی دارد. شایان ذکر است که فعالیت و شدت بیماری در مبتلایانی که مدت‌های طولانی درگیر مالتیپل اسکلروزیس هستند، به سطح تعادل می‌رسد، (۲۵). هم‌چنین، مشخص شده است؛ افرادی که به درمان با اینترفرون بتا پاسخ نمی‌دهند، دارای سطح سرمی بالایی از پروتئین IL-17F می‌باشند. این امر نشان می‌دهد،

۳-۱- زنجیره بتا گیرنده IFN- γ

مطالعات نشان داده است که افزایش بیان زنجیره بتا گیرنده اینترفرون گاما، باعث افزایش استعداد آپوپتوز در سلول های T فعال شده می شود. دیده شده است که در سلول های T بیماران مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس، سطح بیان این زنجیره کم می شود. تزریق اینترفرون بتای به این بیماران باعث افزایش بیان زنجیره بتا گیرنده اینترفرون گاما شده و احتمالاً به موجب آن با افزایش آپوپتوز در سلول های T فعال شده، تعداد این سلول ها را کاهش داده و به روند درمان بیماری کمک می کند. (۳۳)

۳-۲- گیرنده اینترفرون آلفا-بتا

دیده شده است در افرادی که پیش از درمان با اینترفرون بتا، سطح پایینی ایزوفرم های گیرنده ۲ اینترفرون آلفا-بتا (IFNAR-2) دارند، احتمال تولید آنتی بادی های خنثی کننده علیه اینترفرون بتا در خونشان بیشتر است. هم چنین، درمان با اینترفرون بتا باعث کاهش بیان گیرنده های اینترفرون آلفا به وسیله اینترنالیزاسیون آن ها می شود. این نتایج نشان می دهد ایزوفرم های IFNAR-2 در پاسخ به درمان با اینترفرون بتا (از لحاظ میزان پاسخ و ماهیت آن) نقش دوگانه ای (آگونیست و آنتاگونیست) ایفا می کنند. در واقع، بیان IFNAR-2 طوری تنظیم می شود که حتی با وجود تحریک های مثل ترزریق اینترفرون بتا، وضعیت تعادل در بدن حفظ شود. (۳۴)

۳-۳- سلول CD8+ CD25+ FoxP3+

سلول های CD8+ CD25+ FoxP3+، نوعی سلول T تنظیمی هستند که روی سیستم ایمنی، سلول های دندریتیک و هم چنین سلول های T اثرات تنظیمی دارند. دیده شده است که در زمان عود بیماری مالتیپل اسکلروزیس، تعداد و فعالیت این سلول ها در سرم و مایع مغزی-نخاعی بیماران کاهش قابل توجهی دارد. (۳۵)

۳-۴- مولکول های کمک تحریکی

مولکول CD80 یک مولکول تحریکی برای Th1 می باشد و مولکول CD86 که خاصیت تنظیم کنندگی در سیستم ایمنی دارد. بررسی ها نشان داده است که در زمان فعالیت و عود بیماری مالتیپل اسکلروزیس میزان بیان مولکول CD80 به طور چشم گیری افزایش می یابد و این در حالی است که بیان مولکول CD86 کاهش می یابد. دیده شده است که تجویز اینترفرون بتا به بیماران، این تغییرات بالعکس شده، یعنی سطح CD80 کاهش و سطح CD86 افزایش یافته است. (۳۸-۳۶)

ناهمگونی موجود در ایمونوپاتوژنز مالتیپل اسکلروزیس در بین مبتلایان به این بیماری باعث به وجود آمدن پیچیدگی های مذکور در درمان این افراد شده است. (۲۶)

تاکنون، بسیاری از مطالعات نشان داده اند که اینترلوکین ۱۲، ۱۷ و ۲۳ نقش انکارناپذیری در فعالیت بیماری مالتیپل اسکلروزیس دارند، با وجود این، سگال و همکاران در مطالعه ای نشان دادند که در بیماران مالتیپل اسکلروزیس، درمان با آنتی بادی های سنتتیک ضد زیر واحد P40 اینترلوکین ۱۲ و ۲۳، هیچ گونه تأثیری در روند بهبودی بیماران مبنی بر کم کردن فعالیت بیماری و MRI ندارد. (۲۷)

۳-۲- اینترلوکین ۱۰

اینترلوکین ۱۰ یک سایتوکاین تنظیمی است که توسط سلول های Th2 ترشح می شود. مطالعات نشان داده است که قبل از عود بیماری و فعالیت MRI، سطح سیستمیک اینترلوکین ۱۰ کاهش می یابد و هنگامی که فاز بهبودی بیماری شروع می شود، میزان آن به تدریج افزایش می یابد، (۱۹،۲۸،۲۹). هم چنین، مشاهده شده است که درمان با گلاتیرامر استات و اینترفرون بتا میزان اینترلوکین ۱۰ را در بیماران افزایش می دهد، (۳۰،۳۱). از سوی دیگر، مشخص شده است که سطوح پایین تر از سطح پایه اینترلوکین ۱۰، می تواند فاکتور خوبی برای پیش بینی پاسخ به درمان با اینترفرون بتا باشد، (۳۲). بیمارانی که پس از درمان با اینترفرون بتا هم چنان دچار عود بیماری و افزایش فعالیت در MRI هستند، دارای سطح سرمی پایینی از اینترلوکین ۱۰ می باشند، (۶). بررسی ها نشان می دهد، نسبت سطح اینترلوکین ۱۰ به ۱۲ با فعالیت بیماری مالتیپل اسکلروزیس در ارتباط بوده و هر چه این نسبت بالاتر رود، بیماران به درمان با اینترفرون بتا بهتر جواب می دهند. (۶)

۳-۳- زیر مجموعه های لنفوسیت T

مارکرهای سطح سلولی به شناسایی انواع سلول ها و هم چنین وضعیت فعالیت آن ها در بیماری مالتیپل اسکلروزیس کمک می کنند که به طور خلاصه در جدول شماره ۴ شرح داده شده است. زیر مجموعه های سلول T انواع مختلفی از سایتوکاین ها را ترشح می کنند که از مدت ها پیش نقش آن ها در بیماری مالتیپل اسکلروزیس مورد بررسی قرار گرفته است. با پیشرفت علم ایمونولوژی، جمعیت های جدیدی از سلول های T در حال شناسایی است که امکان احاطه بیشتر را بر ایمونوپاتوژنز بیماری مالتیپل اسکلروزیس فراهم می آورد. (۳۳)

۴-۱- آنتی بادی های ضد آکوپورین ۴

تفاوت های بالینی بین مالتیپل اسکلروزیس و بیماری نورومیلیت اُپتیکا (NMO) به حدی واضح است که کارشناسان NMO را یک بیماری کاملاً متفاوت با مالتیپل اسکلروزیس در نظر می گیرند. البته این نکته را باید یادآور شد که برخی بیماران علائم مشترک هر دو بیماری را دارند. در حال حاضر طیف وسیع تری از علائم بالینی NMO علاوه بر علائم قبلی (نوریت دو طرفه اپتیکی، میلیت طولانی و هم زمان) در حال شناسایی است. هم چنین، آنتی بادی هایی که علیه آکوپورین ۴ (AQP4) در بیماری NMO سنتز می شوند، مبین این نکته هستند که دوره بالینی بیماری NMO از نظر آسیب طناب نخاعی، عصب بینایی، ایجاد ناتوانی زودهنگام و مرگ، در مقایسه با نوع کلاسیک مالتیپل اسکلروزیس متفاوت می باشد، (۴۶). دیده شده است که در ۲۰-۴۰ درصد بیمارانی که دارای علائم بالینی NMO هستند، تشخیص بیماری با استفاده از آنتی بادی های معمول در سرم امکان پذیر نمی باشد و این آنتی بادی ها در سرم آن ها قابل ردیابی نیست. البته این به روش استفاده شده نیز می تواند بستگی داشته باشد. (۴۶،۴۷)

تا به امروز، درمان مؤثری برای بیماری NMO یافت نشده است و استراتژی های درمانی پیشنهادی برای NMO با درمان های متداول برای مالتیپل اسکلروزیس متفاوت بوده و شامل پلاسمافرز، تخلیه سلول های B از سرم فرد بیمار به وسیله ریتوکسیماب (آنتی بادی های علیه CD20)، سرکوب طولانی مدت سیستم ایمنی توسط کورتیکواستروئیدها، فرآورده های ایمونوگلوبینی، آزاتیوپرین و میتوکسانترون می باشد. (۴۶)

همان طور که پیش تر اشاره گردید، اینترفرون بتا دارویی مؤثر در درمان مالتیپل اسکلروزیس (بیماری شبه NMO) می باشد. ولی مطالعات نشان داده است که در افراد مبتلا به بیماری NMO که دارای آنتی بادی های علیه AQP4 می باشند، پس از درمان با اینترفرون بتا ممکن است بیماری تشدید یابد. بنا بر این، احتمالاً میزان آنتی بادی های سنتز شده علیه AQP4، می تواند معیار خوبی برای پاسخ به درمان در بیماری NMO باشد. (۴۸،۴۹)

در سال ۲۰۰۹، نیشیاما و همکاران موردی را گزارش کرده که بیش از ده سال قبل از بروز علائم بالینی NMO، آنتی بادی های مربوط به بیماری NMO را در بدن داشته است. این موضوع نشان می دهد که آنتی بادی های دخیل در پاتوژنز بیماری NMO، ممکن است مدت ها قبل از فعالیت بیماری، در بدن وجود داشته باشد، (۵۰). هم چنین،

مطالعات نشان می دهد طی درمان با اینترفرون بتا، میزان بیان سطحی مولکول CD40 تحریک می شود که با میزان و عود بیماری و EDSS که معیاری برای سنجش ناتوانی در بیماران مالتیپل اسکلروزیس می باشد، مرتبط است. (۳۹) هم چنین، پس از درمان با اینترفرون بتا، بیان PDL2 بر سطح مونوسیت ها تحریک می گردد و محققین به این نتیجه دست یافته اند که هر چه میزان این تحریک بیشتر باشد، امکان موفقیت مبنی بر پاسخ دهی به درمان بالاتر می رود. (۳۹)

۳-۵- مولکول های دخیل در آپوپتوز

مشخص شده است که مولکول های تحریک کننده آپوپتوز (PDL1 و PD1) نیز در مرحله بهبودی بیماری نسبت به مرحله حاد آن افزایش بیشتری دارند و احتمالاً این حالت با افزایش تولید اینترلوکین ۱۰ نیز در ارتباط است. (۴۰)

هم چنین، مطالعات نشان می دهد که سطوح بالای مولکول های FAS و FASL از طریق افزایش آپوپتوز در سلول های T فعال شده علیه میلین، می تواند با در میزان پیشرفت در ناتوانی دائم در بیماران رابطه عکس داشته باشد، (۴۱). علاوه بر این دیده شده است که در طول عود بیماری سطح سرمی FASL کاهش یافته، حال آن که سطح FAS افزایش چشم گیری پیدا می کند. (۴۲)

از دیگر مولکول های دخیل در پاتوژنز بیماری مالتیپل اسکلروزیس می توان به مولکول سوروایوین اشاره کرد که در سلول های T فعال شده علیه غلاف میلین، باعث مهار آپوپتوز می شود. طبق بررسی های صورت گرفته، سطح سرمی سوروایوین در بیماری افزایش می یابد و با تزریق اینترفرون به بیماران میزان آن رو به کاهش می گذارد. (۴۳،۴۴)

۳-۶- کانال های پتاسیمی

مشخص شده است که کانال های پتاسیمی مختلفی در فعال کردن سلول های T دخالت دارند. مطالعات نشان داده است که در فاز حاد بیماری مالتیپل اسکلروزیس بیان کانال پتاسیمی K2P5.1 در سلول های T به طور چشم گیری افزایش می یابد. (۴۵)

۴-سلول B و آنتی بادی ها

اگر چه نقش سلول های T در بیماری مالتیپل اسکلروزیس انکار ناپذیر است، اما در این میان، نقش سیستم ایمنی هومورال و آنتی بادی ها نیز در پاتوژنز این بیماری روز به روز روشن تر می شود که در (جدول شماره ۵) توضیح داده شده است.

مواردی هم گزارش شده است که آنتی بادی های تولید شده علیه AQP4 بی آن که در سرم بیماران مبتلا به NMO وجود داشته باشند، در مایع مغزی-نخاعی آنان دیده شده اند، (۴۷،۵۱). البته باور عمومی بر این است که این رویداد بسیار نادر بوده و کمتر دیده می شود.

۴-۲- آنتی بادی های خشی کننده

بر اساس شواهد موجود و نیز مطالعات انجام گرفته توسط پولمن و همکاران، در حال حاضر این گونه به نظر می رسد؛ در آن دسته از بیماران مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس که آنتی بادی های خشی کننده (NAb) علیه اینترفرون بتا می سازند، احتمال فعالیت بالینی و رادیولوژیک بیشتر است، (۵۲). بنا بر این، یک تیم تخصصی باید دستورالعمل هایی را برای کنترل این آنتی بادی ها در بیمارانی که تحت درمان با اینترفرون قرار دارند، تعیین کرده و تیر این آنتی بادی ها را در تصمیم گیری بالینی در مورد بیماران لحاظ کنند، (۵۲).

هم چنین، بر اساس شواهد موجود، بیمارانی که دارای آنتی بادی های خشی کننده علیه داروی ناتالیزوماب می باشند، ممکن است دچار عود بیماری شوند، (۵۳). اهمیت آنتی بادی هایی که به داروی گلاتیرامر استات متصل می شوند در درمان بیماران هنوز به طور کامل مشخص نشده است. هم چنین بعضی از تحقیقات حاکی از آن هستند که هر چه تیر این نوع آنتی بادی ها کمتر باشد، نتیجه درمان با گلاتیرامر استات بهتر خواهد بود، (۵۴،۵۳).

۴-۳- سلول های CD19+ و CD138+

حضور سلول های B بالغ که به صورت CD19+ و CD138+ اندازه گیری می شوند، با فعالیت بیماری در ارتباط است، (۵۵).

۴-۴- آنتی بادی های ضد آنتی ژن های میلین

پروتئین بازی میلین (MBP) و گلیکوپروتئین الیگودندروسیت میلین (MOG) از پروتئین های مهم در ساختار غلاف میلین می باشند. مطالعات نشان داده است در آن دسته از بیماران مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس که دارای آنتی بادی های سرمی علیه MOG و MBP هستند، در مقایسه با بیمارانی که فاقد این نوع آنتی بادی ها می باشند، احتمال عود بیماری و تبدیل فرم CIS به مالتیپل اسکلروزیس قطعی، افزایش می یابد. مطالعات دیگری که در مورد آنتی بادی های ضد سایر آنتی ژن های میلین انجام شده، نتایج بحث برانگیزی به وجود آورده اند که تا به امروز قضاوت کلی در مورد آن مقدور نیست، (۵۸-۵۶).

با تحقیقاتی که توسط مینگ و همکاران صورت گرفت، مشخص شد که، تنها در بیمارانی که فرم بیماری آن ها به

صورت عود کننده-بهبود یابنده و یا پیشرونده ثانویه می باشد، آنتی بادی های علیه گالاکتوسرپروزیس سنتز می شود. در واقع، آن ها نتوانستند این نوع آنتی بادی ها را در افراد سالم ردیابی کنند. هم چنین، این دانشمندان گزارشی مبنی بر مادری بودن این آنتی بادی ها در سرم افراد CIS و بیماران با فرم پیشرونده اولیه ارائه کردند، (۵۹).

۴-۵- آنتی بادی ضد EBNA و پروتئین های شوک حرارتی

از دیگر بیومارکرها می توان به سطح سرمی آنتی بادی هایی اشاره کرد که علیه آنتی ژن های هسته ای ویروس اپشتاین-بار (EBNA) سنتز می شوند. بررسی ها نشان داده که سطح سرمی این آنتی بادی ها با فعالیت های MRI در مغز بیماران مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس رابطه مستقیم و معناداری دارد. البته بایستی خاطر نشان کرد که گروهی از مطالعات با این موضوع در تناقض بوده و حاکی از این هستند که مثلاً، رابطه خاصی بین آنتی بادی ضد EBNA1 و فعالیت بیماری وجود ندارد، (۶۰،۶۱). البته این تناقض های موجود بین یافته ها می تواند ناشی از تفاوت تعریف ما از کلماتی هم چون عود بیماری و یا فعالیت بیماری و MRI، از نظر واژه شناسی بالینی باشد.

برای مثال، آنتی بادی هایی که علیه پروتئین های شوک حرارتی سنتز می شوند (مانند Anti-Hsp70)، در اشکال مختلف بیماری مالتیپل اسکلروزیس با هم تفاوت هایی دارند و این در حالی است که هنوز ارتباط روشنی بین این نوع آنتی بادی ها و فعالیت بیماری یافت نشده است، (۶۲). به نظر می رسد که یک گروه از رونوشت های شبه ایمونوگلوبین موجود در سطح مونوسیت ها یک نقش تنظیمی روی سلول T فعال شده ایفا می کند. یکی از این رونوشت ها، یک پروتئین سطح سلولی موسوم به ILT-3 می باشد که تحریک ایمنی را تنظیم می کند. این پروتئین در طی روند عود بیماری مالتیپل اسکلروزیس دچار تنظیم کاهشی شده و از نظر تئوری، اثرات تنظیمی را کاهش می دهد. با این وجود، در طی دوره بهبودی و یا درمان با اینترفرون بتا، بیان پروتئین ILT-3 به سطح اولیه خود باز می گردد، (۶۳).

۴-۵- آنتی بادی ضد اجزای سیستم کمپلمان

دیده شده است که در طول عود بیماری، آنتی بادی هایی علیه برخی تنظیم کننده های سیستم کمپلمان یعنی CD46 و CD59 سنتز می شود. با این حال، این آنتی بادی ها در حالت پایدار سنتز نمی شوند، (۶۴).

علاوه بر این مشاهده شده است که طی فاز حاد بیماری و نیز در مراحل پیشرونده آن، سطح سرمی فاکتور تنظیمی

کمپلمان یعنی فاکتور H به طور موقت افزایش می یابد که این می تواند به عنوان علامتی برای شروع عود و پیشرفت بیماری باشد. (۶۵)

هم چنین، اجزای حاصل از تجزیه C₄، نشانگرهایی برای آنتی بادی های اتصال به آنتی ژن های مختلف می باشند. مشخص شده است که در بیماری مالتیپل اسکلروزیس، یکی از اجزای ویژه C₄ با فعالیت بیماری در ارتباط می باشد. (۶۶)

۵- سلول های کشنده طبیعی

نتایج داروی آزمایشی داکلیزوماب که یک آنتی بادی علیه گیرنده اینترلوکین ۲ می باشد، نقش سلول های کشنده طبیعی را در خودایمنی دستگاه عصبی بیش از پیش برجسته کرده است. (۶۷). با وجود این که اکثر سلول های کشنده طبیعی فقط علیه سلول های فاقد مولکول MHC-I نقش سایتوتوکسیکی ایفا می کنند، به نظر می رسد که تعداد محدودی از این سلول ها (۱۰ درصد) که سلول های CD56 برایت هستند، با کشتن سلول های T فعال شده و سلول های دندریتیک نابالغ توسط کوآنزیم و پرفورین، یک نقش تنظیم کنندگی در سیستم ایمنی ایفا می کنند. (۶۷). مطالعات نشان داده که فعالیت بیماری و MRI باعث کاهش جمعیت سلول های کشنده طبیعی می شود. اگر چه هنوز به طور دقیق مشخص نشده که این امر گواه یک رابطه علت و معلولی است و یا پدیده مستقلی است که به موجب آن سلول ها از سیستم گردش خون مرکزی کم شده و به سیستم عصبی مرکزی می روند. (۱۰۶۸)

مطالعات نشان می دهد که داروی داکلیزوماب میزان سلول های کشنده طبیعی CD56 برایت را افزایش می دهد که به موجب آن، سلول های T فعال شده علیه بدن، سرکوب می شوند و در نتیجه حال بیماران رو به بهبودی می رود. (۶۷،۶۹)

۶- سلول های دندریتیک و ماکروفاژها

مطالعات نشان داده اند که سلول های ایمنی ذاتی از قبیل ماکروفاژها و سلول های دندریتیک می توانند در پاتولوژی بیماری مالتیپل اسکلروزیس نقش داشته باشند.

۱-۶- تولید TNF-α

همان طور که قبلاً اشاره گردید، سایتوکاین ها با نقش پر رنگ خود در پاتوژنز بیماری مالتیپل اسکلروزیس، توجه ویژه دانشمندان را به خود اختصاص داده اند. این سایتوکاین ها عمدتاً از سلول های سیستم ایمنی ذاتی از قبیل ماکروفاژها، میکروگلیا و سلول های دندریتیک مشتق می شوند.

تحقیقات نشان می دهد TNF-α تولید شده توسط سلول های دندریتیک و ماکروفاژها در بیماران مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس نسبت به افراد سالم افزایش قابل ملاحظه ای نشان داده که این سطح افزایش با پیشرفت ناتوانی در بیمار مرتبط است. (۷۰،۷۱). نکته قابل توجه اینجاست که استراتژی های درمانی برای مهار کردن TNF-α نه تنها موجب توقف التهاب در بیماران نشده، بلکه موجب وخیم تر شدن وضعیت آن ها و ایجاد حملات جدید خصوصاً در بیماران مبتلا به آرتریت روماتوئید می شود. (۷۲،۷۳)

۲-۲- استئوپونتین

استئوپونتین (OPN) یکی دیگر از بیومارکرهای بیماری مالتیپل اسکلروزیس می باشد که توسط بسیاری از بافت ها و سلول ها از قبیل، فیبروبلاست ها، استئوبلاست ها، سلول های دندریتیک، ماکروفاژها و... سنتز می شود. ژن کدکننده این مولکول، به عنوان بارزترین ژن کننده سایتوکاین در لژیون های مربوط به بیماری مالتیپل اسکلروزیس مطرح می باشد و مشخص شده است که در فرم عود کننده-بهبود یابنده بیماری مالتیپل اسکلروزیس، ارتباط تنگاتنگی بین مولکول OPN و فعالیت بیماری وجود دارد. (۷۴)

۳-۳- میکرو RNA

از دیگر بیومارکرهای نسبتاً جدید، RNA های کوچکی موسوم به میکرو RNA (miRNAs) می باشد که به توالی مکمل خود در mRNA های سلولی متصل شده و باعث خاموش شدن گروهی از ژن ها می شوند. مطالعات نشان داده است تعدادی miRNA که در بیان CD47 در سطح سلول ها نقش دارند، از فاگوسیت شدن این سلول ها توسط ماکروفاژها جلوگیری می نمایند. هم چنین، دیده شده است که این miRNA ها در لژیون های مربوط به مغز بیماران مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس بیان متفاوتی دارند. (۷۵)

۷- مولکول های چسبنده و متالوپروتئینازهای ماتریکس سلولی

مولکول های چسبنده به همراه گیرنده های خود، به سلول های التهابی فعال کمک می کنند تا این سلول ها بتوانند به ارگان های هدف خود از جمله سیستم اعصاب مرکزی بروند. دسته ای از مولکول های چسبنده به همراه گیرنده های خود شناسایی شده اند که در نفوذ سلول های سیستم ایمنی به داخل سیستم اعصاب مرکزی بیماران مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس نقش اساسی ایفا می کنند. در جدول شماره ۶ به صورت اجمالی به این مولکول ها اشاره شده است.

۷-۱-۷ VLA-4 و sVCAM

شواهد حاکی از آن است که سلول های B و T پس از خروج از سیستم گردش خون، به کمک مولکول های سطحی خود از جمله VLA-4 و LFA-1 به گیرنده های VCAM و ICAM متصل شده و با چسبیدن به سلول های اندوتلیال، وارد ارگان مورد هدف خود می شوند. دیده شده است که طی درمان وابسته به دوز با اینترفرون بتا، سطح فرم محلول مولکول VCAM (که اصطلاحاً sVCAM گفته می شود) افزایش می یابد. این افزایش در sVCAM باعث کاهش فعالیت بیماری و MRI بیماران شده و نیز از پیشرفت ناتوانی طولانی مدت در بیماران ممانعت می کند، (۵۶۷). پژوهشگران نشان داده اند که مولکول VCAM، با توجه به داشتن قابلیت انحلال در خون، به سلول های T فعال شده می چسبد و مانع از اتصال این سلول ها به VCAM متصل به غشای سلول های اندوتلیال می شود. بدین طریق، sVCAM می تواند ورود سلول های T فعال شده به داخل سیستم ایمنی عصبی مرکزی را کاهش دهد، (۵). هم چنین، دیده شده است در بیمارانی که اینترفرون بتا دریافت می کنند، بیان مولکول VLA-4 در سطح سلول های آن T کاهش می یابد و کاهش بیان این مولکول باعث کاهش چشم گیر پیشرفت ناتوانی در بیماران می شود. (۷۴)

از دیگر مولکول های چسبنده داخل سلولی LFA-1 می باشد که در طی دوره عود و فعالیت بیماری افزایش می یابد، (۷۷). نکته قابل توجه این است که سطح sVCAM و LFA-1 طی دوره درمان با داروی ناتالیزوماب کاهش می یابد و در مبتلایانی که علیه این دارو آنتی بادی های خنثی کننده سنتز می کنند، سطح این دو مولکول پس از مدتی دوباره افزایش می یابد. (۷۸)

۷-۲-۷ ماتریکس متالوپروتئینازهای ۸ و ۹

ماتریکس متالوپروتئینازها، گروهی از آنزیم های پروتئولیتیک هستند که ماتریکس خارج سلولی را حل کرده و به کمک لکوسیت ها می شتابند تا طی التهاب بتوانند از خلال بافت ها مهاجرت کنند. از جمله این آنزیم ها MMP-9 می باشد. بررسی ها نشان داده است که در افراد مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس، طی التهاب و عود بیماری سطح سرمی آنزیم MMP-9 افزایش یافته و به موازات آن سطح مولکول TIMP-1 (که مهارکننده این آنزیم می باشد) کاهش می یابد، (۷۹،۸۰). هم چنین، مطالعات نشان داده است که در سرم افراد تحت درمان با اینترفرون بتا،

سطح MMP-9 پایین می آید که به کاهش فعالیت بیماری کمک می کند. (۸۱)

علاوه بر MMP-9، برخی از مطالعات حاکی از این است که سطح بیان MMP-8 نیز در طی دوره عود بیماری در سرم افراد مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس افزایش چشم گیری پیدا می کند. البته اطلاعات کافی در این زمینه موجود نمی باشد. شاید مطالعات آتی بتواند نقش این مولکول را در پاتوژنز بیماری بیش از پیش آشکار کند. (۱۵)

۸-۸-۸ کموکاین ها و گیرنده های آن ها

کموکاین ها به همراه لیگاند های خود به گروهی از زیر مجموعه های سلول های سیستم ایمنی برای مهاجرت به محل التهاب کمک می کنند. لیستی از کموکاین ها در جدول شماره ۶ آمده است.

تحقیقات پژوهشگران نشان می دهد که در افراد مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس سطح سرمی CXCL8، CXCR3، CCL5 و IP-10 در طی عود بیماری افزایش قابل توجهی پیدا می کنند. این در حالی است که سطح CCL2 (که MCP-1 نیز گفته می شود) طی دوره عود، در سرم افراد کاهش می یابد. (۸۴-۸۲)

مطالعات نشان داه است که در طول درمان با اینترفرون بتا، سطح سرمی CCL2 و CXCL10 افزایش می یابد ولی در حضور آنتی بادی های خنثی کننده که علیه اینترفرون بتا سنتز می شوند، سطح سرمی آن ها کاهش می یابد. با این حال، هنوز ارتباط CCL2 و CXCL10 با فعالیت بیماری مشخص نشده است. (۸۵)

بررسی ها نشان داده است که در زنان مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس، سطح سرمی اینترلوکین ۸ طی سه ماهه اول حاملگی، مارکر خوبی برای پیش بینی عود بیماری در دوره پس از زایمان می باشد. (۸۶)

مطالعات نشان می دهد که سطح سرمی سلول های T که گیرنده کموکاین CXCR3 را بر روی خود بیان می کنند، با آسیب های سیستم اعصاب مرکزی و هم چنین تغییرات و فعالیت MRI در ارتباط می باشد. (۸۷،۸۸)

مطالعات حاکی از این است که در طول فعالیت بیماری مالتیپل اسکلروزیس، سطح سرمی CXCL13 (که همان کموکاین مربوط به سلول های B است) بالا رفته و ظاهراً تحت تأثیر درمان با اینترفرون بتا و گلاتیرامر استات نیز قرار نمی گیرد. (۸۹)

مونوسیت های بیان کننده CCR5 نیز ارتباط معنی داری با فعالیت بیماری دارند، اگر چه که این ارتباط بسیار کم است. (۹۰)

هم چنین، بیان گیرنده کموکاین CX3R1 مربوط به سلول های کشنده طبیعی، در طی عود بیماری مالتیپل اسکروزیس کاهش می یابد. (۹۱،۹۲)

طبق بررسی های انجام گرفته بر روی پلی مورفیسیم ژنتیکی در ژن CCL5، ارتباط گروهی از SNP ها نیز با فعالیت بیماری و تغییرات MRI نشان داده شد. (۹۲)

۹- دیگر مارکرها

تاکنون بر روی چندین بیومارکر دیگر نیز در بیماران مبتلا به مالتیپل اسکروزیس مطالعه صورت گرفته که در جدول شماره ۷ و ۸ به صورت اجمالی آورده شده است.

۹-۱- پروتئین A مقاومتی میکسوویروس

پروتئین A مقاومتی میکسوویروس در خون توسط انواع متفاوتی از سلول ها در پاسخ به اینترفرون های تیپ ۱ (اینترفرون آلفا و اینترفرون گاما) تولید می شود. در بیماران مبتلا به مالتیپل اسکروزیس، کاهش سطح mRNA این پروتئین (قبل از هرگونه اقدام درمانی) با فعالیت بیماری و نیز در سطح MRI با بیماری مرتبط بوده و می تواند مستقل از این که تعداد لژیون ها در مغز چقدر باشد، پیش بینی کننده میزان عود بیماری باشد. (۹۳)

علاوه بر این، یکی از بیومارکری که می تواند پاسخ به درمان با اینترفرون بتا را پیش بینی کند، القای بیان پروتئین A مقاومت میکسوویروس پس از مواجهه با اینترفرون بتا (در طول درمان با اینترفرون بتا) می باشد. (۹۴). این پروتئین می تواند به طور غیرمستقیم معیاری برای اینترفرون بتا قابل دسترسی در محیط زیستی به کار رود. به این صورت که هر چه بیماران تیر بالاتری از آنتی بادی های خنثی کننده علیه اینترفرون بتا داشته باشند، سطح پروتئین A مقاومتی میکسوویروس پایین آمده و ریسک عودهای بعدی افزایش می یابد. (۹۵)

۹-۲- ویتامین D

مطالعات اخیر بیانگر نقش خاص ویتامین D در بیماری مالتیپل اسکروزیس می باشند. دیده شده است که هر چقدر میزان مولکول حد واسط ویتامین D، یعنی مولکول ۲۵-هیدروکسی ویتامین D در خون بالاتر باشد، ریسک عود بیماری در ۶ ماهه آینده کمتر خواهد بود. (۹۶)

۹-۳- فاکتورهای رشد و فاکتورهای نوروتروفیک

طی روند ترمیم بافتی، سلول های ایمنی فاکتورهای نوروتروفیک مشتق شده از مغز را می سازند. اینترفرون بتا و گلاتیرامر استات محرکی برای تولید این فاکتور از مونوسیت ها می باشند. به دنبال آسیب بافتی در سیستم اعصاب مرکزی، این فاکتور می تواند در بهبود ترمیم این بافت ها نقش مهمی ایفا کند. در مجموع هر چه سطح این فاکتور در

خون بیشتر باشد، در بهبودی پس از عود نقش پر رنگ تری دارد. (۹۷-۹۹)

دیگر فاکتورهای رشد نظیر فاکتورهای گلیالی مشتق از مغز، فاکتور رشد عصبی و نوروتروفین های ۳ و ۴ با بهبود پس از عود بیماری در ارتباط هستند. (۹۷). مطالعات نشان داده است که سطوح سرمی اسیداوریک (جمع کننده محصولات نیتریک اسید)، در طی بیماری کاهش یافته و با بهبودی آن دوباره به حالت اولیه بر می گردد. (۱۰۰، ۱۰۱)

۹-۴- پنتوزیدین

پنتوزیدین یکی از محصولات انتهایی گلیکاسیون است که طی آسیب بافتی حاصل از اکسیداسیون و التهاب به وجود آمده و در بیماری های مختلف در سرم افراد بیمار تجمع می یابد. نتایج حاصل از بررسی ها نشان می دهد که سطح سرمی این مولکول رابطه مستقیمی با میزان ناتوانی در بیماران مبتلا به مالتیپل اسکروزیس دارد. هر چند که هنوز شواهدی مبنی بر مرتبط بودن آن با میزان عود بیماری پیدا نشده است. (۱۰۲)

۹-۵- نوپترین

نوپترین یکی از محصولات کاتابولسم گوانوزین تری فسفات است که توسط ماکروفاژهای تحریک شده سنتز و به عنوان یکی از مارکهای فعالیت التهابی شناخته می شود. مشاهده شده است که در بیماران مبتلا به مالتیپل اسکروزیس از نوع پیشرونده اولیه، نسبت پایداری نوپترین به کراتینین ادرار با پایداری بیماری در دوره درمان با اینترفرون بتا مرتبط می باشد. (۱۰۳)

۹-۶- مارکهای ژنتیکی

امروزه در بیماران مبتلا به مالتیپل اسکروزیس، از مارکهای ژنتیکی نیز برای پیش بینی آینده بیماری استفاده می شود. هم چنین، این مارکها ابزار قدرتمندی در مبحث فارماکوژنتیک اینترفرون بتا می باشند. (۱۰۴)

۱۰- مارکهای مایع مغزی-نخاعی

۱۰-۱- باندهای الیگوکلونال

باندهای الیگوکلونال یکی از بیومارکری است که بیشترین کاربرد بالینی را در مایع مغزی-نخاعی بیماران مبتلا به مالتیپل اسکروزیس دارد. بدون در نظر گرفتن نتایج MRI برای تشخیص بیماری، وجود باندهای الیگوکلونال در مایع مغزی-نخاعی از نظر کلینیکی شانس فرد مبتلا به CIS برای تبدیل شدن به RRMS را افزایش می دهد. (۱۰۵). بیماران فاقد باندهای الیگوکلونال، دوره بیماری ملایم تری نسبت به بیمارانی دارند که در مایع مغزی-نخاعی خود دارای این باندها می باشند. (۱۰۵). باید خاطر نشان کرد که بعضی از روش های جداسازی باندهای

الیگوکلونال از مایع مغزی- نخاعی نسبت به سایر روش‌ها از دقت و حساسیت بیشتری برخوردارند. تا جایی که حساسیت برخی از آن‌ها تا ۹۰ درصد نیز می‌رسد، (۱۰۵). از این رو، نتایج حاصل از بررسی باندهای الیگوکلونال در مایع مغزی-نخاعی به عنوان یک روش اساسی مورد استفاده می‌باشد.

شایان ذکر است که فقدان باندهای الیگوکلونال در مایع مغزی-نخاعی بیماران مشکوک به مالتیپل اسکلروزیس به معنای عدم ابتلا به بیماری نیست. علاوه بر این، باندهای الیگوکلونال ممکن است با مقادیر یا فراوانی کمتر در دیگر بیماری‌هایی که علائمی شبیه مالتیپل اسکلروزیس دارند، نظیر بیماری‌های التهابی مغز و نئوپلاستیک یافت شوند. باندهای الیگوکلونال در مایع مغزی-نخاعی مبتلایان به بیماری مالتیپل اسکلروزیس در تمام طول مدت بیماری به صورت پایدار یافت می‌شود و این در حالی است که در دیگر بیماری‌ها به صورت گذرا و موقتی است. (۱۰۵)

شواهد گویای این نکته است که وجود باندهای الیگوکلونال IgM در مایع مغزی-نخاعی با پیشرفت ناتوانی در بیماران رابطه مستقیمی دارد، (۱۰۶). گزارشات نشان می‌دهد که باندهای الیگوکلونال در اشک افراد مبتلا به CIS با دقتی نزدیک به ۱۰۰ درصد قابل ردیابی است. با این حال، دقت آن از دقت باندهای الیگوکلونال مایع مغزی-نخاعی کمتر است. (۱۰۷)

۱۰-۲- آنتی بادی‌های مایع مغزی-نخاعی

مشخص شده است که فعالیت MRI در مغز بیماران مالتیپل اسکلروزیس با حضور سلول‌های B بالغ یا پلاسما بلاست‌های CD19⁺ و CD138⁺ در مایع مغزی-نخاعی آنان ارتباط دارد. (۵۵)

هم چنین به نظر می‌رسد، مقادیر بالای زنجیره سبک آزاد کاپا نیز در مایع مغزی-نخاعی با فعالیت MRI و فعالیت بالینی بیماری در ارتباط باشد. (۱۰۸، ۱۰۹)

آنتی بادی‌هایی که علیه میلین و دیگر ترکیبات لیپیدی سیستم اعصاب مرکزی نظیر سولفاتید، گانگلیوزید و غیره سنتز می‌شوند، در مایع مغزی-نخاعی بیماران مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس قابل ردیابی هستند و شدت این پاسخ‌ها می‌تواند پاسخ‌های MRI در فاز دوم DNA واکسیناسیون را پیش بینی کند که با کاهش پاسخ‌های آنتی بادی‌های موجود در مایع مغزی-نخاعی به میلین همراه می‌باشد. (۱۱۰، ۱۱۱)

این گونه به نظر می‌رسد که سیستم ایمنی هومورال در مایع مغزی-نخاعی نقش مهمی در پیشرفت بیماری مالتیپل

اسکلروزیس دارد. زیرا، در بیماران مبتلا به فرم پیشرونده مالتیپل اسکلروزیس، فعالیت دراز مدت سلول‌های B در بافت اکتوپیک لنف منتر با آسیب ماده خاکستری در ارتباط می‌باشد. (۱۱۲)

۱۰-۳- سائتوکاین‌ها و کموکاین‌های مایع مغزی-نخاعی

مطالعات نشان داده است که در طول دوره فعالیت بیماری مالتیپل اسکلروزیس، در مایع مغزی-نخاعی بیماران، سطح سرمی زیر واحد ۴۰ اینترلوکین ۱۲ به همراه اینترلوکین ۶ افزایش معنی داری پیدا می‌کند. (۱۷، ۱۱۳)

پس از درمان با اینترفرون بتا، سطح اینترلوکین ۱۰ نیز در مایع مغزی-نخاعی افزایش می‌یابد و سطح آن با پاسخ کلینیکی مرتبط می‌باشد، (۳۱). سلول‌های تک هسته‌ای نیز که ترشح اینترلوکین ۱۷ را بر عهده دارند، در طی عود بیماری در مایع مغزی-نخاعی بیماران مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس افزایش می‌یابند، (۲۴). از دیگر مولکول‌ها می‌توان به TNF- α و استئوپونتین اشاره کرد که علاوه بر افزایش در سطح سرم، در مایع مغزی-نخاعی بیماران نیز بالا می‌روند و سطح آن‌ها به ترتیب با ناتوانی و فعالیت بیماری در ارتباط می‌باشد، (۷۱، ۷۰، ۱۱۴)

این فرضیه مطرح است که سطح اینترلوکین ۶ در مایع مغزی-نخاعی مبتلایان به بیماری NMO می‌تواند با ناتوانی، عود بیماری و فعالیت بیماری مرتبط باشد. (۱۱۵)

درصد لنفوسیت‌های نابالغی که ICAM-3 را در مایع مغزی-نخاعی بیان می‌کنند، در طی بیماری بالا می‌روند، (۱۱۶). افزایش سطوح sICAM و sVCAM در طی فعالیت بیماری، نشان دهنده نوعی ارتباط معکوس با فاصله لژیون‌های فعال از سطح و نتریکولار می‌باشد. (۱۱۷)

سطح کموکاین CXCL12 (که نوعی لیگاند CXCR5 است) در مایع مغزی-نخاعی بیماران با فعالیت بیماری مرتبط بوده و پس از درمان با متیل پردنیزولون و ناتالیزوماب کاهش می‌یابد، (۱۱۸، ۱۱۹). در واقع، در طول فعالیت بیماری، سطوح CXCL12 به همراه IP-10 در مایع مغزی-نخاعی بیماران بالا می‌رود.

مطالعات بیانگر این مطلب است که سطح پروتئین جاذب شیمیایی مونوسیت‌ها یعنی CCL2 در بیماران کاهش می‌یابد، (۸۳، ۱۱۳، ۱۱۸). هم چنین، سطح CCL5 در مایع مغزی-نخاعی در طول عود بیماری افزایش و در فاز بهبودی روند کاهشی دارد. (۱۲۰)

۱۰-۴- نشانگرهای آسیب بافتی

تاکنون، چندین نشانگر آسیب بافتی و ترمیم نیز در مایع مغزی-نخاعی بیماران مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس

شناسایی شده است. نیتريت، نیترات و محصولات حاصل از تجزیه نیتريك اكسيد در زمان عود بیماری در مایع مغزی-نخاعی این بیماران افزایش می یابد که در طول مدت عود نیز با اندازه لژیون ها در ارتباط می باشند، (۱۲۱،۱۲۲). مطالعات نشان داده است در آن دسته از بیماران CIS که دارای تیتیر بالاتری از کیتیناز ۳ شبه ۱ هستند، تعداد لژیون ها و نیز میزان ناتوانی نسبت به دیگر بیماران بیشتر است و این می تواند گویای قطعی تر شدن ریسک ابتلای این افراد به بیماری مالتیپل اسکلروزیس باشد. (۱۲۳)

۱۰-۵- فاکتورهای نوروتروفیک و فاکتورهای ترمیم

ترشح فاکتورهای نوروتروفیک در ترمیم آسیب های بعد از التهاب نقش زیادی دارند، (۹). سطح مولکول های چسبنده سلول های نورونال (N-CAM) به همراه فاکتورهای نوروتروفیک مژگانی (CNTF) در زمان عود بیماری در سرم افراد بیمار بالا می رود که با بهبودی بالینی مرتبط می باشد. (۱۲۴)

هم چنین، در طول دوره فعال بیماری، افزایش سطوح پروتئین S-100 در مایع مغزی-نخاعی حاکی از فعال سازی گلیال می باشد و با گذشت زمان سطوح گلیال فیبریلاری پروتئین اسیدی نیز به همراه ناتوانی پیشرونده افزایش می یابد. (۱۲۵،۱۲۶)

پروتئین Tau و زنجیره سبک و سنگین نوروفیلان ها، از جمله نشانگرهای غیر اختصاصی موجود در مایع مغزی-نخاعی می باشند که در آسیب های نورونال طی دوره فعال بیماری، یافت می شوند، (۱۲۷،۱۲۸). زنجیره سبک نوروفیلان یک پروتئین ساختاری درون سلولی بوده که در هنگام آسیب نورونی رها می شود و سطح آن در طی عود بیماری در مایع مغزی-نخاعی افزایش می یابد که این افزایش با بازده عملکردی دراز مدت در ارتباط می باشد. (۱۲۹)

هم چنین، سطوح بیشتر زنجیره سنگین نوروفیلان در مایع مغزی-نخاعی، احتمال تبدیل افراد CIS را به بیمارانی با مالتیپل اسکلروزیس قطعی افزایش داده و نیز پیش بینی کننده بروز ناتوانی بیشتر در آینده است، (۱۲۷،۱۲۹،۱۳۰)

۱۰-۶- سایر بیومارکرهای مایع مغزی-نخاعی

تحقیقات نشان داده است؛ در مایع مغزی-نخاعی بیمارانی که فرم بیماری آن ها به شکل عود کننده-بهبود یابنده است، میزان مولکول N-استیل آسپاراتات بیشتر از کسانی است که فرم بیماری آن ها به شکل پیشرونده ثانویه می باشد. شایان ذکر است که این مولکول نیز با فعالیت بیماری ارتباط تنگاتنگی دارد. (۱۳۱)

مطالعات نشان داده است که سطوح پروتئین بازی میلین موجود در مایع مغزی-نخاعی با فروپاشی میلین فعال مرتبط می باشد. با این وجود، تاکنون، هیچ گونه ارتباط اختصاصی بین این موضوع و بیماری مالتیپل اسکلروزیس وجود ندارد و به طور هماهنگ همراه با بهبودی بالینی به دنبال درمان با داروی متیل پردنیزولون کاهش می یابد. (۱۳۲،۱۳۳)

علاوه بر این، در مایع-مغزی نخاعی بیماران مبتلا به فرم پیشرونده ثانویه، کاهش اختصاصی سطوح پروتئین ترانس ممبران نورونال Bri 2-23 دیده می شود که این موضوع با سنجش های بالینی عملکرد مخچه ای و شناختی در ارتباط است. (۱۳۴)

تحقیقات نشان داده است که میزان بیان پروتئین فتوئین A (که یک مهارکننده پروتئاز تنظیم کننده سیستم ایمنی می باشد) در مایع مغزی-نخاعی مبتلایان به فرم پیشرونده ثانویه (نه در نوع پیشرونده اولیه و نه در فرم عود کننده-بهبود یابنده) به طور اختصاصی افزایش می یابد. (۱۳۴)

علاوه بر این، قبلاً تصور می شد پروتئین نوگو A محلول به عنوان یک عامل مهاری در رشد بیش از حد نورونی آکسون ها، می تواند بیومارکر خوب و مناسبی برای بیماری مالتیپل اسکلروزیس باشد که بعدها با مطالعات بیشتر مشخص گردید که این تصور نادرست است، (۱۳۵،۱۳۶)

نتیجه گیری

بیومارکری که اخیراً در مورد آن ها بحث شد به حل دشواری ها و ناهمگونی های پاتوفیزیولوژی بیماری مالتیپل اسکلروزیس کمک شایانی کرده اند و می توانند راه گشایی برای بهبود ابزارهای بالینی برای محققین و پزشکان باشند که در جدول شماره ۹ به اختصار به آن ها اشاره شده است. این بیومارکرها به عنوان شاخص فعالیت بیماری می توانند در پیش بینی روند بیماری، پاسخ دارویی به گزینه های درمانی متفاوت و نیز انتخاب بهترین دارو برای بیماران مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس مفید باشند. امروزه با پیشرفت های اخیر تکنیک MRI، پزشکان قادرند که نتایج داروهای مصرفی بیماران را ردیابی کنند. به عنوان مثال، بالا رفتن میواینوزیتول در مغز بیماران باعث عملکرد نامناسب در تشخیص و شناخت در آینده مرتبط است، (۳،۱۳۷). امروزه بیومارکرهای شناخته شده و معتبر، ابزار قدرتمندی هستند که با ردیابی آنتی بادی های ضد آکوپورین ۴ در سرم افراد مشکوک در جهت تشخیص بیماری NMO از مالتیپل اسکلروزیس به کار می روند. هم چنین، ردیابی آنتی بادی های خنثی کننده اینترفرون بتا شاخص خوبی برای نشان

دادن ناکارآمدی این دارو است برای کسانی که علیه این گزینه درمانی مقاومت از خود نشان می دهند، (۱۳۲-۱۳۸، ۱۰۶۲). لیستی از بیومارکرهای افتراقی در جدول شماره ۱۰ آورده شده است. امید است با پیشرفت در علوم بیولوژی مولکولی و پروتئومیکس بتوان بیومارکرهایی را شناسایی و یا طراحی نمود که با صحت و دقت بالاتری در تشخیص بیماری به پزشکان کمک کرده و آنان را در تجویز داروهایی با کارآمدی بالاتر یاری رسانند.

جدول شماره ۱. اهمیت بیومارکرها در MS

دوره بالینی بسیار متغیر
مکانیسم های هتروژن بیماری
غیراختصاصی بودن مارکرهای بیماری
متغیر بودن مارکرها در بین افراد و حتی در یک فرد
پاسخ های متفاوت به درمان
Diagnosis of exclusion without gold standard (numerous mimics)
Frequent subclinical disease activity
ارتباط جزئی خصوصیات MRI و میزان (سرعت) عود با نتایج طولانی مدت
درمان های هتروژن با مکانیسم عمل متفاوت

جدول شماره ۲. چالش های روبرو در کشف و اعتبار بیومارکرها

تشخیص دقیق و سریع (مثال CSI، RRMS و نه MS)
پیشگویی خطر کوتاه مدت فعالیت بالینی بیماری (عود، فعالیت MRI، تبدیل به RRMS)
ارزیابی فعالیت ساب کلینیکال بیماری
پیشگویی دوره بالینی طولانی مدت بیماری (تبدیل به SPMS، accumulation of fixed disability)
Surrogate outcome for clinical trials
ارتباط با زیر نوع های مختلف بیماری
پیشگویی پاسخ به گزینه های مختلف درمان
ارزیابی مقاومت به درمان

جدول شماره ۳. بیومارکرهای سرمی دخیل در فعالیت بیماری مالتیپل اسکلروزیس

بیومارکر (سایتو کاین ها)	نمونه	ارتباط	رفرانس
TNF- α	سرم و CSF	عود (+)، ناتوانی (+)	(۷۰، ۷۱)
IL-۱۰	سرم و CSF	عود (-)، پاسخ به درمان	(۷۰، ۱۸، ۳۱)
IL-۱۲	سرم و CSF	عود (+)	(۱۵-۱۸)
IL-۱۷	سرم و CSF	عود (+)، پاسخ به درمان	(۲۳، ۲۵، ۲۶)
IFN- γ	سرم و CSF	عود (+)، پاسخ به درمان	(۷۰، ۱۲، ۱۴)
استئوپونتین	CSF	فعالیت بیماری (+)	(۱۱۴)
IL-۶	CSF	شدت NMO (+)	(۱۱۴، ۱۱۵)

IFN=interferon

IL=interleukin

TNF=tumor necrosis factor

جدول شماره ۴. مارکرهای سطح سلول

بیومارکر	ارتباط	رفرنس
K2P5.1+T سلول های	عود	(۴۵)
گیرنده IFN- $\gamma\beta$	عود، پاسخ به درمان	(۳۳)
گیرنده IFN- γ ۲	پاسخ به درمان	(۳۴)
CD56bright NK cells	عود	(۱۰، ۶۸)
سلول های CD8+CD25+FoxP3+Treg	عود	(۳۵)
Fas/FasL	عود، ناتوانی	(۴۱، ۴۲)
CD80	عود	(۳۶-۳۸)
CD86	عود، پاسخ به درمان	(۳۶-۳۹)
CD40	پاسخ به درمان	(۳۹)
PD1/PDL1	عود	(۴۰)
PDL2	پاسخ به درمان	(۳۹)
سورویوین	عود، پاسخ به درمان	(۴۳)

IFN=interferon.

Ig=immunoglobulin

IL=interleukin

NK=natural killer

PD=programmed cell death

PDL=programmed cell death ligand

جدول شماره ۵. بیومارکرهای هومورال و آنتی بادی ها

بیومارکر	ارتباط	رفرنس
(CSF) OCB	تبدیل به RRMS (+)، عود (+)، ناتوانی (IgM)	(۱۰۵، ۱۰۶)
آنتی بادی (NMO) آکوپورین ۴	نوع NMO بیماری (+)	(۴۶)
آنتی بادی های خنثی کننده IFN- β	عود (+)، پاسخ به درمان	(۵۲)
سلول های CD19+CD138 B موجود در سرم و CSF	عود (+)	(۵۵)
آنتی بادی های MOG/MBP	عود (+)، تبدیل به RRMS	(۵۶)
آنتی بادی های CD46/59	عود (+)	(۶۴)
فاکتور H کمپلمان	عود (+)، ناتوانی	(۶۵)
قطعه C4	فعالیت بیماری (+)	(۶۶)
EBNA IgG	فعالیت بیماری (+)	(۶۰)
زنجیر سبک کاپا Ig (CSF)	عود (+)	(۷۶)

C=complement

Ig=immunoglobulin

MOG=myelin oligodendrocyte glycoprotein

MBP=myelin basic protein

NMO=neuromyelitisoptica

OCB=oligoclonal bands

RRMS=relapsing remitting multiple sclerosis

جدول شماره ۶: بیومارکرهای مرتبط با چسبندگی و مهاجرت

بیومارکر	ارتباط	رفرانس
sVCAM	عود(-)، پاسخ به درمان	(۷۶، ۱۱۷)
LFA1	عود(+)	(۷۷)
VLA4	عود(+)، پاسخ به درمان، ناتوانی(+)	(۷۶)
MMP9	عود(+)، پاسخ به درمان	(۱۹، ۷۹، ۸۱)
TIMP1	عود(-)	(۸۰)
MMP-8	عود(+)	(۱۹)
IL-8	عود	(۸۶)
IP-10	عود(+)	(۸۲)
CXCL8	عود(+)	(۸۲)
CCL2	عود(-)	(۳۲، ۸۲)
CCL5	عود(+)	(۸۳، ۱۲۰)
CXCR3	عود(+)	(۸۷، ۸۸)
CXCL13	فعالیت بیماری(+)، پاسخ به درمان	(۸۹، ۱۱۸، ۱۱۹)
CCR5	عود	(۹۰)
CX3CR1	عود(-)	(۹۱)
ICAM (CSF)	عود(+)	(۱۱۶، ۱۱۷)
CXCL12 (CSF)	عود	(۱۱۸)
NCAM (CSF)	عود	(۱۲۴)

CSF=cerebrospinal fluid

ICAM=intercellular adhesion molecule

IL=interleukin

LFA=leukocyte function-associated antigen

MMP=matrix metalloprotease

NCAM=neural cell adhesion molecule

TIMP=tissue inhibitor of metalloprotease

VCAM=vascular cell adhesion molecule

VLA=very late antigen

جدول شماره ۷: بیومارکرهای آسیب بافتی و ترمیم

بیومارکر	ارتباط	رفرانس
زنجیره های نوروفیلانمنت(CSF)	عود(+)، تبدیل به RRMS، ناتوانی	(۱۲۸، ۱۳۰)
GFAP (CSF)	ناتوانی(+)	(۱۲۶)
S100 (CSF)	عود(+)	(۱۲۵)
NAA (CSF)	فعالیت بیماری(+)	(۱۳۱)
محصولات نیتریک اکسید(CSF)	عود(+)	(۱۲۱، ۱۲۲)
پنتوزیدین	ناتوانی	(۱۰۲)
BDNF	بهبود عود(+)، پاسخ به درمان	(۹۷-۹۹)
CNTF (CSF)	عود	(۱۲۴)
GDNF	بهبود عود(+)	(۹۹)
NGF	بهبود عود(+)	(۹۹)
NT3	بهبود عود(+)	(۹۹)
NT4	بهبود عود(+)	(۹۹)

CNTF=ciliary neurotrophic factor
 CSF=cerebrospinal fluid
 Ig=immunoglobulin
 GDNF=Glial Derived Neurotrophic Factor
 GFAP=glial fibrillary acidic protein
 NGF=Neural Growth Factor
 NT=Neurotrophin
 RRMS=relapsing remitting multiple sclerosis

جدول شماره ۸. سایر بیومارکرها

بیومارکر	ارتباط	رفرانس
پروتئین A مقاوم میکروویروس	عود(-)، پاسخ به درمان(+)	(۹۳-۹۵)
میواینوزیتول	اختلال شناختی	(۱۳۷)
Bri2-23 (CSF)	ناتوانی(+)	(۱۳۴)
فتوئین (CSF)	SPMS فعال(+)	(۱۳۴)
ILT3	عود(-)	(۶۳)

ILT=immunoglobulin-like transcript

جدول شماره ۹. بیومارکری که اخیراً شناسایی شده اند

مارکر	عملکرد	رفرانس
OCB در اشک	مطابق با OCB داخل غلافی	(۱۰۷)
K2P5.1	کانال پتاسیمی که سلول های T را تحت تأثیر قرار می دهد	(۴۵)
CCL2	کموکاین	(۸۵، ۱۱۹)
CXCL10	کموکاین	(۸۵، ۱۱۹)
IL-8	کموکاین	(۸۶)
قطعه C4 کمپلمان	مارکر فعالیت کمپلمان	(۶۶)
فاکتور تنظیمی H کمپلمان	مارکر فعالیت کمپلمان	(۶۳)
miRNAs تغییر دهنده بیان CD47	حساسیت به فاگوسیتوز توسط ماکروفاژ را تغییر می دهد	(۷۵)
MMP-8	مهاجرت سلول التهابی از طریق بافت را تحت تأثیر قرار می دهد	(۱۹)
CD56bright NK cells	فعالیت سلول های T فعال شده را تنظیم می کند	(۱۰، ۶۷، ۶۸)
۲۵- هیدروکسی ویتامین D	دارای اثرات تنظیم کننده فعالیت سیستم ایمنی	(۹۶)
نئوپترین ادرار	مارکر فعالیت ماکروفاژ	(۱۰۳)
ILT3	کاهش فعالیت سیستم ایمنی	(۶۳)
میواینوزیتول	مارکر MR یکپارچگی بافت	(۱۳۷)
Bri2-23	پروتئین نورونی	(۱۳۴)
فتوئین A	مهار کننده پروتئاز تنظیم کننده فعالیت سیستم ایمنی	(۱۳۴)
پنتوزیدین	مارکر آسیب و التهاب بافتی	(۱۰۲)
گیرنده لپتین	مسیرهای متابولیک و ایمنی	(۱۴۳)

IL=interleukin

ILT=immunoglobulin-like transcript

OCB=oligoclonal bands

MMP=matrix metalloprotease

جدول شماره ۱۰. بیومارکرهای مرتبط با مراحل مختلف بیماری و فنوتیپ های بالینی

بیومارکر	CIS	RRMS	SPMS	PPMS	NMO
CSF OCB	RRMS را پیشگویی می کند	حضور در ۹۰٪	---	شیوع کمتر	شیوع کمتر
در سلول های CD19+ B	رایج	رایج	فقدان	فقدان	---
CD39+ Treg	---	کاهش یافته	نرمال	---	---
CXCL3	افزایش یافته	افزایش یافته	نرمال	نرمال	---
BDNF (CSF)	---	بالاترین	افزایش یافته	کاهش یافته	---
فتوئین A	---	---	فعال SPMS	---	---
زنجیرهای نوروفیلانمنت (CSF)	RRMS را پیشگویی می کند	---	---	---	---
(CSF) NAA	---	افزایش یافته	کم	---	---
پروتئین اتصال به ویتامین D	---	بالا	---	پایین	---
نئوپترین ادرار	---	---	---	بالا اگر پایدار باشد	---
Jagged-1 (CSF)	---	نرمال	---	بالا	---
آنتی بادی ضد آکوپورین ۴	در NMO، LETM را پیشگویی می کند، ON شدید یا دوطرفه	فقدان	---	---	حضور در ۸۰-۶۰٪

BDNF=brain derived neurotrophic factor

CIS=clinically isolated syndrome

CSF=cerebrospinal fluid

LETM=longitudinally extensive transverse myelitis

NMO=neuromyelitisoptica

OCB=oligoclonal bands

ON=optic neuritis

PPMS=primary progressive multiple sclerosis

RRMS=relapsing remitting multiple sclerosis

SPMS=secondary progressive multiple sclerosis

Treg=regulatory T cells

References

1-Ramagopalan SV, Dobson R, Meier UC, Giovannoni G. Multiple sclerosis: risk factors, prodromes, and potential causal pathways. *Lancet Neurol* 2010;9:727-39.

2-Stoop MP, Singh V, Dekker LJ, Titulaer MK, Stingl C, Burgers PC, et al. Proteomics comparison of cerebrospinal fluid of relapsing remitting and primary progressive multiple sclerosis. *PLoS One* 2010;5:e12442.

3-Filippi M, Agosta F. Imaging biomarkers in multiple sclerosis. *J Magn Reson Imaging* 2010;31:770-88.

4-Krakauer M, Sorensen PS, Khademi M, Olsson T, Sellebjerg F. Dynamic T-lymphocyte chemokine receptor expression induced by interferon-beta therapy in multiple sclerosis. *Scand J Immunol* 2006; 64:155-63.

- 5-Graber J, Zhan M, Ford D, Kursch F, Francis G, Bever C, et al. Interferon-beta-1a induces increases in vascular cell adhesion molecule: implications for its mode of action in multiple sclerosis. *J Neuroimmunol* 2005;161:169-76.
- 6-Graber JJ, Ford D, Zhan M, Francis G, Panitch H, Dhib-Jalbut S. Cytokine changes during interferon-beta therapy in multiple sclerosis: correlations with interferon dose and MRI response. *J Neuroimmunol* 2007;185:168-74.
- 7-Sega S, Wraber B, Mesec A, Horvat A, Ihan A. IFN-beta1a and IFN-beta1b have different patterns of influence on cytokines. *Clin Neurol Neurosurg* 2004;106:255-8.
- 8-Dhib-Jalbut S. Pathogenesis of myelin/oligodendrocyte damage in multiple sclerosis. *Neurology* 2007;68:S13-21.
- 9-Graber JJ, Dhib-Jalbut S. Protective autoimmunity in the nervous system. *Pharmacol Ther* 2009;121:147-59.
- 10-De Jager PL, Rossin E, Pyne S, Tamayo P, Ottoboni L, Viglietta V, et al. Cytometric profiling in multiple sclerosis uncovers patient population structure and a reduction of CD8low cells. *Brain* 2008;131:1701-11.
- 11-Becher B, Giacomini PS, Pelletier D, McCrea E, Prat A, Antel JP. Interferon-gamma secretion by peripheral blood T-cell subsets in multiple sclerosis: correlation with disease phase and interferon-beta therapy. *Ann Neurol* 1999;45:247-50.
- 12-Beck J, Rondot P, Catinot L, Falcoff E, Kirchner H, Wietzerbin J. Increased production of interferon gamma and tumor necrosis factor precedes clinical manifestation in multiple sclerosis: do cytokines trigger off exacerbations? *Acta Neurol Scand* 1988;78:318-23.
- 13-Panitch HS, Hirsch RL, Haley AS, Johnson KP. Exacerbations of multiple sclerosis in patients treated with gamma interferon. *Lancet* 1987;1:893-5.
- 14-Valenzuela RM, Costello K, Chen M, Said A, Johnson KP, Dhib-Jalbut S. Clinical response to glatiramer acetate correlates with modulation of IFN-gamma and IL-4 expression in multiple sclerosis. *Mult Scler* 2007;13:754-62.
- 15-Alexander JS, Harris MK, Wells SR, Mills G, Chalamidas K, Ganta VC, et al. Alterations in serum MMP-8, MMP-9, IL-12p40 and IL-23 in multiple sclerosis patients treated with interferon-beta1b. *Mult Scler* 2010;16:801-9.
- 16-Comabella M, Balashov K, Issazadeh S, Smith D, Weiner HL, Khoury SJ. Elevated interleukin-12 in progressive multiple sclerosis correlates with disease activity and is normalized by pulse cyclophosphamide therapy. *J Clin Invest* 1998;102:671-8.
- 17-Fassbender K, Ragoschke A, Rossol S, Schwartz A, Mielke O, Paulig A, et al. Increased release of interleukin-12p40 in MS: association with intracerebral inflammation. *Neurology* 1998;51:753-8.
- 18-Makhlouf K, Weiner HL, Khoury SJ. Increased percentage of IL-12+ monocytes in the blood correlates with the presence of active MRI lesions in MS. *J Neuroimmunol* 2001;119:145-9.
- 19-van Boxel-Dezaire AH, Hoff SC, van Oosten BW, Verweij CL, Drager AM, Ader HJ, et al. Decreased interleukin-10 and increased interleukin-12p40 mRNA are associated with disease activity and characterize different disease stages in multiple sclerosis. *Ann Neurol* 1999;45:695-703.
- 20-Losy J, Michalowska-Wender G, Wender M. Interleukin 12 and interleukin 10 are affected differentially by treatment of multiple sclerosis with glatiramer acetate (Copaxone). *Folia Neuropathol* 2002;40:173-5.
- 21-Oppmann B, Lesley R, Blom B, Timans JC, Xu Y, Hunte B, et al. Novel p19 protein engages IL-12p40 to form a cytokine, IL-23, with biological activities similar as well as distinct from IL-12. *Immunity* 2000;13:715-25.
- 22-van Boxel-Dezaire AH, van Trigt-Hoff SC, Killestein J, Schrijver HM, van Houwelingen JC, Polman CH, et al. Contrasting responses to interferon beta-1b treatment in relapsing-remitting multiple sclerosis: does baseline interleukin-12p35 messenger RNA predict the efficacy of treatment? *Ann Neurol* 2000;48:313-22.
- 23-Durelli L, Conti L, Clerico M, Boselli D, Contessa G, Ripellino P, et al. T-helper 17 cells expand in multiple sclerosis and are inhibited by interferon-beta. *Ann Neurol* 2009;65:499-509.
- 24-Matusevicius D, Kivisakk P, He B, Kostulas N, Ozenci V, Fredrikson S, et al. Interleukin-17 mRNA expression in blood and CSF mononuclear cells is augmented in multiple sclerosis. *Mult Scler* 1999;5:101-4.

- 25-Graber JJ, Allie SR, Mullen KM, Jones MV, Wang T, Krishnan C, et al. Interleukin-17 in transverse myelitis and multiple sclerosis. *J Neuroimmunol* 2008; 196:124-32.
- 26-Axtell RC, de Jong BA, Boniface K, van der Voort LF, Bhat R, De Sarno P, et al. T helper type 1 and 17 cells determine efficacy of interferon-beta in multiple sclerosis and experimental encephalomyelitis. *Nat Med* 2010;16:406-12.
- 27-Segal BM CC, Raychaudhuri A, Kim L, Fidelus-Gort R, Kasper LH, et al. Repeated subcutaneous infections of IL-12/23 p40 neutralizing antibody, ustekinumab, in patients with relapsing-remitting multiple sclerosis: a phase II, double-blind, placebo-controlled randomized, dose-ranging study. *Lancet Neurol* 2008;7:796-804.
- 28-Petereit HF, Pukrop R, Fazekas F, Bamborschke SU, Ropele S, Kolmel HW, et al. Low interleukin-10 production is associated with higher disability and MRI lesion load in secondary progressive multiple sclerosis. *J Neurol Sci* 2003;206:209-14.
- 29- Waubant E, Gee L, Bacchetti P, Sloan R, Cotleur A, Rudick R, et al. Relationship between serum levels of IL-10, MRI activity and interferon beta-1a therapy in patients with relapsing remitting MS. *J Neuroimmunol* 2001;112:139-45.
- 30-Miller A, Shapiro S, Gershtein R, Kinarthy A, Rawashdeh H, Honigman S, et al. Treatment of multiple sclerosis with copolymer-1 (Copaxone): implicating mechanisms of Th1 to Th2/Th3 immune-deviation. *J Neuroimmunol* 1998;92:113-21.
- 31-Rudick RA, Ransohoff RM, Lee JC, Pepler R, Yu M, Mathisen PM, et al. In vivo effects of interferon beta-1a on immunosuppressive cytokines in multiple sclerosis. *Neurology* 1998;50:1294-300.
- 32-Bartosik-Psujek H, Stelmasiak Z. The interleukin-10 levels as a potential indicator of positive response to interferon beta treatment of multiple sclerosis patients. *Clin Neurol Neurosurg* 2006;108:644-7.
- 33-Ahn J, Feng X, Patel N, Dhawan N, Reder AT. Abnormal levels of interferon-gamma receptors in active multiple sclerosis are normalized by IFN-beta therapy: implications for control of apoptosis. *Front Biosci* 2004;9:1547-55.
- 34-Gilli F, Valentino P, Caldano M, Granieri L, Capobianco M, Malucchi S, et al. Expression and regulation of IFNalpha/beta receptor in IFNbeta-treated patients with multiple sclerosis. *Neurology* 2008; 71:1940-7.
- 35-Correale J, Villa A. Role of CD8+ CD25+ Foxp3+ regulatory T cells in multiple sclerosis. *Ann Neurol* 2010;67: 625-38.
- 36-Anderson DE, Sharpe AH, Hafler DA. The B7-CD28/CTLA-4 costimulatory pathways in autoimmune disease of the central nervous system. *Curr Opin Immunol* 1999; 11:677-83.
- 37- Boylan MT, Crockard AD, McDonnell GV, Armstrong MA, Hawkins SA. CD80 (B7-1) and CD86 (B7-2) expression in multiple sclerosis patients: clinical subtype specific variation in peripheral monocytes and B cells and lack of modulation by high dose methylprednisolone. *J Neurol Sci* 1999;167:79-89.
- 38-Genc K, Dona DL, Reder AT. Increased CD80(+) B cells in active multiple sclerosis and reversal by interferon beta-1b therapy. *J Clin Invest* 1997;99:2664-71.
- 39-Wiesemann E, Deb M, Trebst C, Hemmer B, Stangel M, Windhagen A. Effects of interferon-beta on co-signaling molecules: upregulation of CD4, CD86 and PD-L2 on monocytes in relation to clinical response to interferon-beta treatment in patients with multiple sclerosis. *Mult Scler* 2008;14:166-76.
- 40-Trabattoni D, Saresella M, Pacei M, Marvanto I, Mendozzi L, Rovaris M, et al. Costimulatory pathways in multiple sclerosis: distinctive expression of PD-1 and PD-L1 in patients with different patterns of disease. *J Immunol* 2009;183:4984-93.
- 41-Lopatinskaya L, Zwemmer J, Uitdehaag B, Lucas K, Polman C, Nagelkerken L. Mediators of apoptosis Fas and FasL predict disability progression in multiple sclerosis over a period of 10 years. *Mult Scler* 2006; 12:704-9.
- 42-Lopatinskaya L, van Boxel-Dezaire AH, Barkhof F, Polman CH, Lucas CJ, Nagelkerken L. The development of clinical activity in relapsing-remitting MS is associated with a decrease of FasL mRNA and an increase of Fas mRNA in peripheral blood. *J Neuroimmunol* 2003;138:123-31.
- 43-Sharief MK, Noori MA, Douglas MR, Semra YK. Upregulated survivin expres-

- sion in activated T lymphocytes correlates with disease activity in multiple sclerosis. *Eur J Neurol* 2002;9:503-10.
- 44- Sharief MK, Semra YK. Down-regulation of survivin expression in T lymphocytes after interferon beta-1a treatment in patients with multiple sclerosis. *Arch Neurol* 2002;59:1115-21.
- 45-Bittner S, Bobak N, Herrmann AM, Gobel K, Meuth P, Hohn KG, et al. Upregulation of K2P5.1 potassium channels in multiple sclerosis. *Ann Neurol* 2010;68:58-69.
- 46-Cree B. Neuromyelitis optica: diagnosis, pathogenesis, and treatment. *Curr Neurol Neurosci Rep* 2008;8:427-33.
- 47-Jarius S, Franciotta D, Paul F, Ruprecht K, Bergamaschi R, Rommer PS, et al. Cerebrospinal fluid antibodies to aquaporin-4 in neuromyelitis optica and related disorders: frequency, origin, and diagnostic relevance. *J Neuroinflammation* 2010;7:52.
- 48-Shimizu J, Hatanaka Y, Hasegawa M, Iwata A, Sugimoto I, Date H, et al. IFN-beta-1b may severely exacerbate Japanese optic-spinal MS in neuromyelitis optica spectrum. *Neurology* 2010;75:1423-7.
- 49-Uzawa A, Mori M, Hayakawa S, Masuda S, Kuwabara S. Different responses to interferon beta-1b treatment in patients with neuromyelitis optica and multiple sclerosis. *Eur J Neurol* 2010;17:672-6.
- 50-Nishiyama S, Ito T, Misu T, Takahashi T, Kikuchi A, Suzuki N, et al. A case of NMO seropositive for aquaporin-4 antibody more than 10 years before onset. *Neurology* 2009;72:1960-1.
- 51-Klawiter EC, Alvarez E, 3rd, Xu J, Paciorkowski AR, Zhu L, Parks BJ, et al. NMO-IgG detected in CSF in seronegative neuromyelitis optica. *Neurology* 2009;72:1101-3.
- 52-Polman CH, Bertolotto A, Deisenhammer F, Giovannoni G, Hartung HP, Hemmer B, et al. Recommendations for clinical use of data on neutralising antibodies to interferon-beta therapy in multiple sclerosis. *Lancet Neurol* 2010;9:740-50.
- 53-Cohen BA, Oger J, Gagnon A, Giovannoni G. The implications of immunogenicity for protein-based multiple sclerosis therapies. *J Neurol Sci* 2008;275:7-17.
- 54-Karussis D, Teitelbaum D, Sicsic C, Brenner T. Long-term treatment of multiple sclerosis with glatiramer acetate: natural history of the subtypes of anti-glatiramer acetate antibodies and their correlation with clinical efficacy. *J Neuroimmunol* 2010;220:125-30.
- 55-Kuenz B, Lutterotti A, Ehling R, Gneiss C, Haemmerle M, Rainer C, et al. Cerebrospinal fluid B cells correlate with early brain inflammation in multiple sclerosis. *PLoS One* 2008;3:e2559.
- 56-Berger T, Rubner P, Schautzer F, Egg R, Ulmer H, Mayringer I, et al. Antimyelin antibodies as a predictor of clinically definite multiple sclerosis after a first demyelinating event. *N Engl J Med* 2003;349:139-45.
- 57-Kuhle J, Pohl C, Mehling M, Edan G, Freedman MS, Hartung HP, et al. Lack of association between antimyelin antibodies and progression to multiple sclerosis. *N Engl J Med* 2007;356:371-8.
- 58-Tomassini V, De Giglio L, Reindl M, Russo P, Pestalozza I, Pantano P, et al. Anti-myelin antibodies predict the clinical outcome after a first episode suggestive of MS. *Mult Scler* 2007;13:1086-94.
- 59-Menge T, Lalive PH, von Budingen HC, Cree B, Hauser SL, Genain CP. Antibody responses against galactocerebroside are potential stage-specific biomarkers in multiple sclerosis. *J Allergy Clin Immunol* 2005;116:453-9.
- 60-Farrell RA, Antony D, Wall GR, Clark DA, Fisniku L, Swanton J, et al. Humoral immune response to EBV in multiple sclerosis is associated with disease activity on MRI. *Neurology* 2009;73:32-8.
- 61- Ingram G, Bugert JJ, Loveless S, Robertson NP. Anti-EBNA-1 IgG is not a reliable marker of multiple sclerosis clinical disease activity. *Eur J Neurol* 2010;17:1386-9.
- 62-Quintana FJ, Farez MF, Viglietta V, Iglesias AH, Merbl Y, Izquierdo G, et al. Antigen microarrays identify unique serum autoantibody signatures in clinical and pathologic subtypes of multiple sclerosis. *Proc Natl Acad Sci USA* 2008;105:18889-94.
- 63-Jensen MA, Yanowitch RN, Reder AT, White DM, Arnason BG. Immunoglobulin-like transcript 3, an inhibitor of T cell activation, is reduced on blood monocytes during multiple sclerosis relapses and is induced by interferon beta-1b. *Mult Scler* 2010;16:30-8.

- 64-Pinter C, Beltrami S, Caputo D, Ferrante P, Clivio A. Presence of autoantibodies against complement regulatory proteins in relapsing-remitting multiple sclerosis. *J Neurovirol* 2000;6:S42-6.
- 65-Ingram G, Hakobyan S, Hirst CL, Harris CL, Pickersgill TP, Cossburn MD, et al. Complement regulator factor H as a serum biomarker of multiple sclerosis disease state. *Brain* 2010;133:1602-11.
- 66- Sawai S, Umemura H, Mori M, Satoh M, Hayakawa S, Kodera Y, et al. Serum levels of complement C4 fragments correlate with disease activity in multiple sclerosis: proteomic analysis. *J Neuroimmunol* 2010;218:112-5.
- 67-Bielekova B, Catalfamo M, Reichert-Scriver S, Packer A, Cerna M, Waldmann TA, et al. Regulatory CD56(bright) natural killer cells mediate immunomodulatory effects of IL-2Ralpha-targeted therapy (daclizumab) in multiple sclerosis. *Proc Natl Acad Sci USA* 2006;103:5941-6.
- 68-Kastrukoff LF, Lau A, Wee R, Zecchini D, White R, Paty DW. Clinical relapses of multiple sclerosis are associated with 'novel' valleys in natural killer cell functional activity. *J Neuroimmunol* 2003; 145:103-14.
- 69-Martin JF, Perry JS, Jakhete NR, Wang X, Bielekova B. An IL-2 paradox: blocking CD25 on T cells induces IL-2-driven activation of CD56(bright) NK cells. *J Immunol* 2010;185:1311-20.
- 70- Maimone D, Gregory S, Arnason BG, Reder AT. Cytokine levels in the cerebrospinal fluid and serum of patients with multiple sclerosis. *J Neuroimmunol* 1991; 32:67-74.
- 71-Sharief MK, Hentges R. Association between tumor necrosis factor-alpha and disease progression in patients with multiple sclerosis. *N Engl J Med* 1991;325:467-72.
- 72-TNF neutralization in MS: results of a randomized, placebo-controlled multicenter study. The Lenercept Multiple Sclerosis Study Group and The University of British Columbia MS/MRI Analysis Group. [Clinical Trial Clinical Trial, Phase II Randomized Controlled Trial Research Support, Non-U.S. Gov't] 1999.
- 73- Sicotte NL, Voskuhl RR. Onset of multiple sclerosis associated with anti-TNF therapy. *Neurology* 2001;57:1885-8.
- 74-Vogt MH, Floris S, Killestein J, Knol DL, Smits M, Barkhof F, et al. Osteopontin levels and increased disease activity in relapsing-remitting multiple sclerosis patients. *J Neuroimmunol* 2004;155:155-60.
- 75-Junker A, Krumbholz M, Eisele S, Mohan H, Augstein F, Bittner R, et al. MicroRNA profiling of multiple sclerosis lesions identifies modulators of the regulatory protein CD47. *Brain* 2009;132:3342-52.
- 76- Soilu-Hanninen M, Laaksonen M, Hanninen A, Eralinna JP, Panelius M. Downregulation of VLA-4 on T cells as a marker of long term treatment response to interferon beta-1a in MS. *J Neuroimmunol* 2005;167:175-82.
- 77- Eikelenboom MJ, Killestein J, Izeboud T, Kalkers NF, Baars PA, van Lier RA, et al. Expression of adhesion molecules on peripheral lymphocytes predicts future lesion development in MS. *J Neuroimmunol* 2005;158:222-30.
- 78- Millonig A, Hegen H, Di Pauli F, Ehling R, Gneiss C, Hoelzl M, et al. Natalizumab treatment reduces endothelial activity in MS patients. *J Neuroimmunol* 2010;227:190-4.
- 79- Waubant E, Goodkin D, Bostrom A, Bacchetti P, Hietpas J, Lindberg R, et al. IFNbeta lowers MMP-9/TIMP-1 ratio, which predicts new enhancing lesions in patients with SPMS. *Neurology* 2003;60:52-7.
- 80- Waubant E, Goodkin DE, Gee L, Bacchetti P, Sloan R, Stewart T, et al. Serum MMP-9 and TIMP-1 levels are related to MRI activity in relapsing multiple sclerosis. *Neurology* 1999;53:1397-401.
- 81- Trojano M, Avolio C, Liuzzi GM, Ruggieri M, Defazio G, Liguori M, et al. Changes of serum sICAM-1 and MMP-9 induced by rIFNbeta-1b treatment in relapsing-remitting MS. *Neurology* 1999;53: 1402-8.
- 82- Bartosik-Psujek H, Stelmasiak Z. The levels of chemokines CXCL8, CCL2 and CCL5 in multiple sclerosis patients are linked to the activity of the disease. *Eur J Neurol* 2005;12:49-54.
- 83- Franciotta D, Martino G, Zardini E, Furlan R, Bergamaschi R, Andreoni L, et al. Serum and CSF levels of MCP-1 and IP-10 in multiple sclerosis patients with acute and stable disease and undergoing immunomodulatory therapies. *J Neuroimmunol* 2001;-115:192-8.

- 84- Putheti P, Morris M, Stawiarz L, Teleshova N, Kivisakk P, Pashenkov M, et al. Multiple sclerosis: a study of chemokine receptors and regulatory T cells in relation to MRI variables. *Eur J Neurol* 2003; 10:529-35.
- 85- Sellebjerg F, Krakauer M, Hesse D, Ryder LP, Alsing I, Jensen PE, et al. Identification of new sensitive biomarkers for the in vivo response to interferon-beta treatment in multiple sclerosis using DNA-array evaluation. *Eur J Neurol* 2009; 16:1291-8.
- 86- Neuteboom RF, Verbraak E, Voerman JS, van Meurs M, Steegers EA, de Groot CJ, et al. First trimester interleukin 8 levels are associated with postpartum relapse in multiple sclerosis. *Mult Scler* 2009;15: 1356-8.
- 87-Fox RJ, Kivisakk P, Fisher E, Tucky B, Lee JC, Rudick RA, et al. Multiple sclerosis: chemokine receptor expression on circulating lymphocytes in correlation with radiographic measures of tissue injury. *Mult Scler* 2008;14:1036-43.
- 88-Mahad DJ, Lawry J, Howell SJ, Woodroffe MN. Longitudinal study of chemokine receptor expression on peripheral lymphocytes in multiple sclerosis: CXCR3 up-regulation is associated with relapse. *Mult Scler* 2003;9:189-98.
- 89-Festa ED, Hankiewicz K, Kim S, Skurnick J, Wolansky LJ, Cook SD, et al. Serum levels of CXCL13 are elevated in active multiple sclerosis. *Mult Scler* 2009; 15:1271-9.
- 90-Sellebjerg F, Kristiansen TB, Wittenhagen P, Garred P, Eugen-Olsen J, Frederiksen JL, et al. Chemokine receptor CCR5 in interferon-treated multiple sclerosis. *Acta Neurol Scand* 2007;115:413-8.
- 91-Infante-Duarte C, Weber A, Kratzschmar J, Prozorovski T, Pikol S, Hamann I, et al. Frequency of blood CX3CR1-positive natural killer cells correlates with disease activity in multiple sclerosis patients. *Faseb J* 2005;19:1902-4.
- 92-Van Veen T, Nielsen J, Barkhof J, Barkhof F, Kamphorst W, Bo L, et al. CCL5 and CCR5 genotypes modify clinical, radiological and pathological features of multiple sclerosis. *J Neuroimmunol* 2007;190:157-64.
- 93- Van der Voort LF, Vennegoor A, Vissers A, Knol DL, Uitdehaag BM, Barkhof F, et al. Spontaneous MxA mRNA level predicts relapses in patients with recently diagnosed MS. *Neurology* 2010;75:1228-33.
- 94-Hesse D, Sellebjerg F, Sorensen PS. Absence of MxA induction by interferon beta in patients with MS reflects complete loss of bioactivity. *Neurology* 2009;73:372-7.
- 95-Malucchi S, Gilli F, Caldano M, Marnetto F, Valentino P, Granieri L, et al. Predictive markers for response to interferon therapy in patients with multiple sclerosis. *Neurology* 2008;70:1119-27.
- 96-Simpson S, Jr., Taylor B, Blizzard L, Ponsonby AL, Pittas F, Tremlett H, et al. Higher 25-hydroxyvitamin D is associated with lower relapse risk in multiple sclerosis. *Ann Neurol* 2010;68:193-203.
- 97- Caggiula M, Batocchi AP, Frisullo G, Angelucci F, Patanella AK, Sancricca C, et al. Neurotrophic factors and clinical recovery in relapsing-remitting multiple sclerosis. *Scand J Immunol* 2005;62:176-82.
- 98- Chen M, Valenzuela RM, Dhib-Jalbut S. Glatiramer acetate-reactive T cells produce brain-derived neurotrophic factor. *J Neurol Sci* 2003;215:37-44.
- 99- Lalive PH, Kantengwa S, Benkhoucha M, Juillard C, Chofflon M. Interferon-beta induces brain-derived neurotrophic factor in peripheral blood mononuclear cells of multiple sclerosis patients. *J Neuroimmunol* 2008;197:147-51.
- 100- Drulovic J, Dujmovic I, Stojasavljevic N, Mesaros S, Andjelkovic S, Miljkovic D, et al. Uric acid levels in sera from patients with multiple sclerosis. *J Neurol* 2001; 248:121-6.
- 101- Sotgiu S, Pugliatti M, Sanna A, Sotgiu A, Fois ML, Arru G, et al. Serum uric acid and multiple sclerosis. *Neurol Sci* 2002; 23:183-8.
- 102- Sternberg Z, Hennies C, Sternberg D, Bistulfi GL, Kazim L, Benedict RH, et al. Plasma pentosidine: a potential biomarker in the management of multiple sclerosis. *Mult Scler* 2011;17:157-63.
- 103- Rejdak K, Leary SM, Petzold A, Thompson AJ, Miller DH, Giovannoni G. Urinary neopterin and nitric oxide metabolites as markers of interferon beta-1a

- activity in primary progressive multiple sclerosis. *Mult Scler* 2010;16:1066-72.
- 104- Habek M, Borovecki F, Brinar VV. Genomics in multiple sclerosis. *Clin Neurol Neurosurg* 2010;112:621-4.
- 105- Link H, Huang YM. Oligoclonal bands in multiple sclerosis cerebrospinal fluid: an update on methodology and clinical usefulness. *J Neuroimmunol* 2006;180: 17-28.
- 106- Mandrioli J, Sola P, Bedin R, Gambini M, Merelli E. A multifactorial prognostic index in multiple sclerosis .Cerebrospinal fluid IgM oligoclonal bands and clinical features to predict the evolution of the disease. *J Neurol* 2008;255:1023-31.
- 107- Calais G, Forzy G, Crinquette C, Mac-kowiak A, de Seze J, Blanc F, et al. Tear analysis in clinically isolated syndrome as new multiple sclerosis criterion. *Mult Scler* 2010;16:87-92.
- 108- Rinker JR, 2nd, Trinkaus K, Cross AH. Elevated CSF free kappa light chains correlate with disability prognosis in multiple sclerosis. *Neurology* 2006 10;67: 1288-90.
- 109-Rudick RA, Medendorp SV, Namey M, Boyle S, Fischer J. Multiple sclerosis progression in a natural history study: predictive value of cerebrospinal fluid free kappa light chains. *Mult Scler* 1995;1:150-5.
- 110-Garren H, Robinson WH, Krasulova E, Havrdova E, Nadj C, Selmaj K, et al. Phase 2 trial of a DNA vaccine encoding myelin basic protein for multiple sclerosis .*Ann Neurol* 2008;63:611-20.
- 111-Kanter JL, Narayana S, Ho PP, Catz I, Warren KG, Sobel RA, et al. Lipid microarrays identify key mediators of autoimmune brain inflammation. *Nat Med* 2006;12:138-43.
- 112-Maglioni R, Howell O, Vora A, Serafini B, Nicholas R, Puopolo M, et al. Meningeal B-cell follicles in secondary progressive multiple sclerosis associate with early onset of disease and severe cortical pathology. *Brain* 2007;130:1089-104.
- 113-Malmstrom C, Andersson BA, Haghi-ghi S, Lycke J. IL-6 and CCL2 levels in CSF are associated with the clinical course of MS: implications for their possible immunopathogenic roles. *J Neuroimmunol* 2006;175:176-82.
- 114-Chowdhury SA, Lin J, Sadiq SA. Specificity and correlation with disease activity of cerebrospinal fluid osteopontin levels in patients with multiple sclerosis. *Arch Neurol* 2008;65:232-5.
- 115-Uzawa A, Mori M, Arai K, Sato Y, Hayakawa S, Masuda S, et al. Cytokine and chemokine profiles in neuromyelitis optica: significance of interleukin-6. *Mult Scler* 2010;16:1443-52.
- 116- Kraus J, Oschmann P, Engelhardt B, Stolz E, Kuehne BS, Laske C, et al. CD4-5RA+ ICAM-3+ lymphocytes in cerebrospinal fluid and blood as markers of disease activity in patients with multiple sclerosis. *Acta Neurol Scand* 2000;102:326-32.
- 117-Rieckmann P, Altenhofen B, Riegel A, Baudewig J, Felgenhauer K. Soluble adhesion molecules (sVCAM-1 and sICAM-1) in cerebrospinal fluid and serum correlate with MRI activity in multiple sclerosis. *Ann Neurol* 1997;41:326-33.
- 118-Krumbholz M, Theil D, Cepok S, Hemmer B, Kivisakk P, Ransohoff RM, et al. Chemokines in multiple sclerosis: CXCL12 and CXCL13 up-regulation is differentially linked to CNS immune cell recruitment. *Brain* 2006;129:200-11.
- 119- Sellebjerg F, Bornsen L, Khademi M, Krakauer M, Olsson T, Frederiksen JL, et al. Increased cerebrospinal fluid concentrations of the chemokine CXCL13 in active MS. *Neurology* 2009;73:2003-10.
- 120- Szczucinski A, Losy J. CCL5, CXCL10 and CXCL11 chemokines in patients with active and stable relapsing-remitting multiple sclerosis. *Neuroimmunomodulation* 2011;18:67-72.
- 121- Rejdak K, Eikelenboom MJ, Petzold A, Thompson EJ, Stelmasiak Z, Lazeron RH ,et al. CSF nitric oxide metabolites are associated with activity and progression of multiple sclerosis. *Neurology* 2004; 63:1439-45.
- 122- Sellebjerg F, Giovannoni G, Hand A, Madsen HO, Jensen CV, Garred P. Cerebrospinal fluid levels of nitric oxide metabolites predict response to methylprednisolone treatment in multiple sclerosis and optic neuritis. *J Neuroimmunol* 2002; 125:198-203.
- 123- Comabella M, Fernandez M, Martin R, Rivera-Vallve S, Borrás E, Chiva C, et al. Cerebrospinal fluid chitinase 3-like 1

- levels are associated with conversion to multiple sclerosis. *Brain* 2010;133:1082-93.
- 124-Massaro AR. Are there indicators of remyelination in blood or CSF of multiple sclerosis patients? *Mult Scler* 1998;4:228-31.
- 125-Lamers KJ, van Engelen BG, Gabreels FJ, Hommes OR, Borm GF, Wevers RA. Cerebrospinal neuron-specific enolase, S-100 and myelin basic protein in neurological disorders. *Acta Neurol Scand* 1995; 92:247-51.
- 126-Malmestrom C, Haghighi S, Rosengren L, Andersen O, Lycke J. Neurofilament light protein and glial fibrillary acidic protein as biological markers in MS. *Neurology* 2003;61:1720-5.
- 127-Brettschneider J, Maier M, Arda S, Claus A, Sussmuth SD, Kassubek J, et al. Tau protein level in cerebrospinal fluid is increased in patients with early multiple sclerosis. *Mult Scler* 2005;11:261-5.
- 128-Lycke JN, Karlsson JE, Andersen O, Rosengren LE. Neurofilament protein in cerebrospinal fluid: a potential marker of activity in multiple sclerosis. *J Neurol Neurosurg Psychiatry* 1998;64:402-4.
- 129-Salzer J, Svenningsson A, Sundstrom P. Neurofilament light as a prognostic marker in multiple sclerosis. *Mult Scler* . 2010;16:287-92.
- 130-Petzold A, Eikelenboom MJ, Keir G, Grant D, Lazeron RH, Polman CH, et al. Axonal damage accumulates in the progressive phase of multiple sclerosis: three year follow up study. *J Neurol Neurosurg Psychiatry*. 2005;76:206-11.
- 131- Teunissen CE, Dijkstra C, Polman C. Biological markers in CSF and blood for axonal degeneration in multiple sclerosis. *Lancet Neurol* 2005;4:32-41.
- 132-Barkhof F, Frequin ST, Hommes OR, Lamers K, Scheltens P, van Geel WJ, et al. A correlative triad of gadolinium-DTPA MRI, EDSS, and CSF-MBP in relapsing multiple sclerosis patients treated with high-dose intravenous methylprednisolone. *Neurology* 1992;42:63-7.
- 133-Lamers KJ, de Reus HP, Jongen PJ. Myelin basic protein in CSF as indicator of disease activity in multiple sclerosis. *Mult Scler* 1998;4:124-6.
- 134- Harris VK, Diamanduros A, Good P, Zakin E, Chalivendra V, Sadiq SA. Bri2-23 is a potential cerebrospinal fluid biomarker in multiple sclerosis. *Neurobiol Dis* 2010; 40:331-9.
- 135-Jurewicz A, Matysiak M, Raine CS, Selmaj K. Soluble Nogo-A, an inhibitor of axonal regeneration, as a biomarker for multiple sclerosis. *Neurology* 2007;68:283-7.
- 136- Lindsey JW, Crawford MP, Hatfield LM. Soluble Nogo-A in CSF is not a useful biomarker for multiple sclerosis. *Neurology* 2008;71:35-7.
- 137-Summers M, Swanton J, Fernando K, Dalton C, Miller DH, Cipolotti L, et al. Cognitive impairment in multiple sclerosis can be predicted by imaging early in the disease. *J Neurol Neurosurg Psychiatry* 2008;79:955-8.
- 138-Baranzini SE, Mousavi P, Rio J, Caillier SJ, Stillman A, Villoslada P, et al. Transcription-based prediction of response to IFNbeta using supervised computational methods. *PLoS Biol* 2005;3:e2.
- 139-Furlan R, Rovaris M, Martinelli Boneschi F, Khademi M, Bergami A, Gironi M, et al. Immunological patterns identifying disease course and evolution in multiple sclerosis patients. *J Neuroimmunol* 2005; 165:192-200.
- 140-Reder AT, Velichko S, Yamaguchi KD, Hamamcioglu K, Ku K, Beekman J, et al. IFN-beta1b induces transient and variable gene expression in relapsing-remitting multiple sclerosis patients independent of neutralizing antibodies or changes in IFN receptor RNA expression. *J Interferon Cytokine Res* 2008;28:317-31.
- 141-Vandenbroeck K, Comabella M. Single-nucleotide polymorphisms in response to interferon-beta therapy in multiple sclerosis. *J Interferon Cytokine Res* 2010; 30:727-32.
- 142- Wiesemann E, Deb M, Hemmer B, Radeke HH, Windhagen A. Early identification of interferon-beta responders by ex vivo testing in patients with multiple sclerosis. *Clin Immunol* 2008;128:306-13.



Diagnostic Biomarkers in Multiple Sclerosis

Khalilnezhad A¹, Zahednasab H^{2*}, Khodabandehloo H³, Mahmoudian E⁴, Azar-Abdar T⁵, Balood M²,
Vafaei R⁶, Hoseinzadeh M⁷

(Received: 1 June, 2013

Accepted: 28 August, 2013)

Abstract

As therapeutic options develop for the treatment of multiple sclerosis (MS), there is an increasing necessity to find biomarkers with high sensitivity and being useful to detect the activity and disease course. Such biomarkers with high selectivity and accuracy can be used to evaluate therapeutic responsiveness, early diagnosis, and early treatment and to show the stage of the disease. For instance, presence of oligoclonal bands within CSF of MS-CIS, anti-aquaporin 4 for differentiation of MS disease from Neuromyelitis Optica, presence of neutralizing antibodies against inter-

feron-beta in serum samples of MS patients to assess responders vs. nonresponders, are the benefits of biomarkers in disease study. Despite the above advantages, there is no given biomarker to definitely diagnosis the MS disease. The emergence of advanced molecular techniques opened a new horizon to find more sensitive and selective biomarkers to diagnosis the disease at early stages.

Keyword: Multiple sclerosis, biomarkers, disease course, therapeutic indices

1. Dept of Immunology, Faculty of Medicine, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

2. Dept of Clinical Biochemistry, Faculty of Medical Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

3. Dept of Clinical Biochemistry, Faculty of Medicine, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

4. Dept of Cellular & Molecular Biology, Faculty of Biological Sciences, Shahid Madani University, Tabriz, Iran

5. Faculty of Medicine, Tabriz University of Medical Sciences, Tabriz, Iran

6. Proteomics Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

7. Dept of Immunology, Faculty of Medicine, Ilam University of Medical Sciences, Ilam, Iran

*Corresponding author